

زلزله در هاییتی

صادق افروز



زلزله بسیار شدیدی به قدرت ۷٫۳ ریشتر، پورت اپرینس پایتخت هاییتی را به شدت درهم کوبید. پس از این زلزله بیش از ۳۰ پس لرزه با درجاتی حدود ۴٫۵ ریشتر بر شدت خرابی ها افزوده است. تعداد تلفات را در حدود ۱۰۰ هزار نفر حدس می زنند. بقیه در صفحه ۱۰

راه حل پنج ماده ای ما زنان برای برون رفت از "بحران"!

بقیه در صفحه ۱۲

دو کارگر "شرک فولاد سیادن ابهر" در میان آتش سوختند بقیه در صفحه

با کمک مالی به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه خانواده های آنان را تنها نگذاریم

بقیه در صفحه ۱۱

فراخوان زندانیان سیاسی کورد تعدادی از زندان های ایران

اگر غم جان بگذارد

جمعی از زندانیان سیاسی زندان های مرکزی سنندج، مرکزی ارومیه، رجایی شهر کرج و اوین تهران. بقیه در صفحه ۱۱

بیانیه ای عفو بین الملل مبنی بر لزوم توقف احکام اعدام زندانیان سیاسی

بقیه در صفحه ۹

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان

محاکمه هفت بهائی،

سندی از سرکوب خشن مذهبی

بقیه در صفحه ۲

اعلامیه ی هیئت اجرایی سازمان

به ادیت و آزار پناهجویان افغانی پایان دهید

بقیه در صفحه ۲

مصاحبه سردبیر نشریه راه کارگر

با یاسمین منظر و مهدی اصلانی!

مسیری که حوادث ایران، بویژه پس "انتخابات" ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ پیموده، توجه افکار عمومی در ایران و جهان را بیش از گذشته بخود جلب نموده است... بقیه در صفحه ۴

با بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و دیگر جنبش ها توده ها را نمی توان از مبارزه باز داشت!

بقیه در صفحه ۶

دو عرصه مهم پیکار سیاسی در وضعیت کنونی و الزامات آن

گفتار سیاسی رادیو راه کارگر

چهارشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۸۸ - ۱۳ ژانویه ۲۰۱۰

بقیه در صفحه ۷

ایران در آینه آمار

تهیه و گردآوری: مریم اماتی - رادیو راه کارگر

جمعه ۱۸ دی ماه ۱۳۸۸ - ۸ ژانویه ۲۰۱۰

بقیه در صفحه ۷

اعتراض علیه کشتار انسان ها

به نام "محاربه با خدا"

* در شرایطی که بیش از ۴۰ زندانی سیاسی در زندان های ایران زیر اعدام هستند و محاکمات گروهی به اتهام "محاربه" شروع شده است، اقدامات هر چه وسیع تر در اعتراض به این سرکوبگری های کودتاچیان به امری عاجل و فوری تبدیل شده است... بقیه در صفحه ۸

سندی از سرکوب خشن مذهبی

دادگاه "گروه یاران ایران" که فعالیت‌های اداری جامعه بهائی را در غیاب محفل روحانی ملی آنها بر عهده داشتند در روز سه شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب آغاز شد. این شعبه دادگاه پیش از این رکسانا صابری را به اتهام جاسوسی به هشت سال زندان محکوم کرده بود، و پس استفاده تبلیغاتی او را آزاد کرد و به او اجازه خروج از ایران داد. دادرس این شعبه که جانشین بازپرس هست، از منتسبان به دستگاه های امنیتی کشور است. اعضای "گروه یاران" متشکل از فریبا کمال‌آبادی طانقی، جمال‌الدین خانجانی، عقیق نعیمی، سعید رضایی، بهروز توکلی، وحید تیزفهم و مهوش ثابت از اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ در بازداشت به سر می‌برند.

دادگاه هفت بهائی در شرایطی برگزار می‌شود که وکلای مدافع شان تاکنون نتوانسته‌اند به پرونده‌ی آن‌ها دسترسی داشته باشند. اما ایسنا اتهامات آن‌ها را "جاسوسی برای بیگانگان"، "تبلیغ علیه دولت"، "همکاری با اسرائیل"، "مشارکت در جمع‌آوری و اسناد طبقه‌بندی شده و ارائه آن به بیگانه‌گان با هدف برهم زدن امنیت کشور" و "افساد فی الارض" اعلام کرده‌اند. سایت "تاینک" از آن‌ها به عنوان "هفت تروریست بهائی" که متهم به اقدامات تروریستی از جمله هدایت و رهبری بمب گذاری در حسینیه رهیویان شیراز و جاسوسی برای رژیم اشغالگر اسرائیل" نام برده و آورده است که "افراد دستگیر شده هیچگاه ارتباطشان را با رژیم اشغالگر اسرائیل انکار نکرده و حتی مقر اصلی شان در حیفاست".

دادگاهی با این کيفرخواست و با این سابقه و با گماردن یک مقام امنیتی بعنوان دادرس و عدم دسترسی وکلای پرونده‌ی موکلین خود، نمی‌تواند جز یک دادگاه فرمایشی با اهداف کاملاً سیاسی و امنیتی باشد. اتهامات وارده به هفت بهائی زندانی به گونه‌ای تنظیم شده است که می‌تواند به صدور احکام اعدام در مورد آنها بیانجامد. این امر در شرایطی که رژیم اسلامی از ترس مرگ به زور عریان روی آورده است، می‌تواند به قیمت جان این زندانیان سیاسی تمام شود.

ناگفته روشن است که تمامی اتهامات نسبت داده شده به "گروه یاران"، اتهاماتی من درآوردی و ساخته و پرداخته‌ی دستگاه‌های امنیتی رژیم است. تنها جرم این بهائیان، داشتن اعتقادات مذهبی دیگری است. جامعه‌ی بهائیت ایران، در ۱۵۰ سال پیدایش این مذهب، همواره مورد بدترین نوع اذیت و آزار شیعیان متعصب بوده است. چه در دوران قاجاریه که بدن‌های شمع آجین شده‌ی بهائیان و بابیان را بر سر کوی و برزن می‌بردند و قطعه قطعه می‌کردند و چه در زمان جمهوری اسلامی که انقدر از معتقدین این مذهب را اعدام کردند که به حق می‌توان آن را مذهب شهدا نامید. کینه و نفرت علیه بهائیان، اگر در تمامی دوره‌های حکومت اسلامی به خشن‌ترین شکلی با سرکوب جامعه بهائیت و بهائیان همراه بوده است، اکنون که قدرت در دست‌های هواداران مصباح یزدی و دارودسته‌ی انجمن حجیه است، شکل بیرحمانه تری بخود گرفته است.

سازمان ما سرکوب جامعه بهائیت و بهائیان کشور به بهانه‌های واهی را بشدت محکوم کرده و آن را شکل خشنی از سرکوب دگراندیشان و معتقدین به دیگر مذاهب می‌داند. سیاست سرکوبگرانه‌ای که تنها به بهائیان محدود نبوده، بلکه دامن دارویش و جامعه‌ی اهل سنت را نیز گرفته است. آزادی اعتقاد به مذهب و یا لامذهبی، یکی از اصول اولیه‌ی دموکراسی است.

سازمان ما تلاش‌های دادگاه‌های انقلاب اسلامی برای فرونشاندن نفرت و کینه بیرحمانه‌شان از طریق صدور احکام زندان یا اعدام برای بهائیان دستگیر شده و دیگر زندانیان سیاسی را بشدت محکوم کرده و از همه آزادیخواهان و برابری‌طلبان و بنیادها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر می‌خواهد با تمام نیرو به این سیاست سرکوبگرانه و بیرحمانه اعتراض کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۴ دی ماه ۱۳۸۸- ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰

به اذیت و آزار پناهجویان افغانی پایان دهید

تشدید فشار و اخراج گسترده‌ی پناهجویان افغانی در بلوچستان هر روز ابعاد گسترده تری به خود می‌گیرد. در شش ماه گذشته هر روز تعداد کنیری از پناهجویان افغانی در شهرهای سیستان و بلوچستان، در خروجی راه‌ها، در حوالی شهرها و روستاها توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده و از کشور اخراج گشته‌اند. در تازه‌ترین اقدام، از هفته‌ی گذشته گشت‌های نیروهای انتظامی و اداره کار، به کارگاه‌ها و واحدهای صنفی هجوم برده و با دستگیری پناهجویان افغانی به اخراج آن‌ها مبادرت می‌ورزند. اما تنها دستگیری، توهین و تحقیر و اخراج پناهجویان کارکرد روزانه‌ی نیروهای انتظامی و امنیتی استان نیست. آن‌ها در همایش‌های طوایف و قبایل نیز تلاش گسترده‌ای کرده‌اند تا سران این قبایل را به شناسایی و دستگیری این پناهجویان تشویق کنند تا در ازای این اقدام برای این قبایل تسهیلاتی ایجاد کنند. تبلیغات سنگین مقامات استانی و رسانه‌های وابسته به رژیم و بویژه سپاه پاسداران نیز به دامن زدن هیستری ضدافغانی مشغول هستند. آن‌ها در تبلیغات مسموم خود پناهجویان افغانی را رباینده فرصت‌های شغلی، دامن زدن به تكدی گری، و زشت کردن چهره‌ی شهرها معرفی می‌کنند. این تبلیغات مسموم را تنها در ادبیات سازمان‌ها و جریان‌های فاشیستی کشورهای اروپایی می‌یافت.

این سیاست خارجی ستیزانه در شرایطی انجام می‌گیرد که پناهجویان افغانی چندین دهه در کنار مردم این استان در صلح و آرامش زیسته‌اند و با مرزهای بسیار پانین به کار و امرار معاش پرداخته‌اند. اقدامات مقامات رژیم در دستگیری و اخراج پناهجویان در میان بسیاری از مردم استان با سوءظن و با نگرانی روبرو شده است. زیرا مردم به روشنی دریافته‌اند که تلاش‌های رژیم در این راستا، به خاطر مردم استان و رفاه و سعادت آن‌ها انجام نمی‌گیرد. واقعیت این است که سیاست دستگیری و اخراج گسترده‌ی پناهجویان افغانی و حتی اخراج طلبه‌های حوزه‌های علمیه اهل سنت، در راستای سیاست امنیتی رژیم در قبال استان است. دولت اسلامی که وضعیت خود در این استان را شکننده می‌بیند و نسبت به تحولات افغانستان و پاکستان نگران است، برای محکم کردن پشت جبهه‌ی خود به دستگیری و اخراج گسترده‌ی پناهجویان افغانی روی آورده است.

سازمان ما ضمن محکوم کردن سیاست‌های خارجی ستیزانه و اذیت و آزار پناهجویان افغانی، از همه نیروها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر می‌خواهد به اقدامات ضد انسانی اعتراض کرده و اجازه ندهند این اقدامات فاشیستی و خارجی ستیزانه علیه پناهجویان افغانی در سکوت انجام گیرد.

سازمان ما از همه سازمان‌ها و نیروها و وبلاگ نویسان بلوچ و سیستانی می‌خواهد به سکوت خود در این باره پایان دهند و از حقوق مشروع پناهجویان افغانی برای زندگی و کار در سیستان و بلوچستان دفاع کنند.

سازمان ما از همه مردم آزادیخواه و برابری طلب می‌خواهد از هر طریق که می‌توانند به این اقدامات خارجی ستیزانه مقامات اسلامی اعتراض کنند و به حمایت از پناهجویان افغانی مبادرت ورزند. ملتی که به خاطر سیاست‌های سرکوبگرانه و ضدانسانی رژیم اسلامی، نزدیک به ۳ میلیون مهاجر و پناهجو در چهارگوشه‌ی جهان دارد، نمی‌تواند و نباید نسبت به سرنوشت پناهجویان دیگر ملت‌ها در کشورش بی‌تفاوت بماند. سرنگون باد رژیم اسلامی

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۷ دی ماه ۱۳۸۸- ۱۷ ژانویه ۲۰۱۰

مشکل "متکدیان" و پناهجویان در زاهدان

حربه‌ای برای تحریک خارجی ستیزی

می‌مکرن: شیوا و مریم سرگزی خبرنگاران فارس در سیستان و بلوچستان در گزارشی تحت عنوان "حکایت بی‌پایان متکدیان افغانی در سیستان و بلوچستان" به بررسی پدیده‌ی تكدی گری در استان پرداخته و آن را در حد یک مشکل منطقه‌ای ارتقاء داده‌اند. خواندن این گزارش نشان می‌دهد که حتی پدیده‌ی تكدی گری و مبارزه با آن نیز به حربه‌ای برای تحریک احساسات مردم و دامن زدن به روحیه‌ی خارجی ستیزی تبدیل شده است. در این گزارش هیچ اشاره‌ای به ریشه‌های این پدیده‌ی

احتماعی و سوءمدیریت مقامات حکومتی و فقر جانفرسا در استان نشده است. گزارش به گونه ای تنظیم شده است که گویا سیستم و بلوچستان سونیس منطقه است که "متکدیان" از هر سو به آن هجوم آورده اند. همین خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران در گزارش دیگری تحت عنوان "مهمانان ناخوانده فرصت‌های اشتغال ایرانیان را ربوده‌اند" پناهجویان افغانی را عامل بیکاری معرفی کرده اند. این نگاه خارجی ستیزانه و تحقیرآمیز، و راسیستی جزئی از سیاست امنیتی مقامات رژیم در بلوچستان است که قصد فرافکنی مشکلات استان را دارد. و از این موضوع برای توجیه اخراج پناهجویان افغانی سوءاستفاده می‌کند. در حالی که اخراج پناهجویان افغانی و حتی طلبه های افغانی در راستای سیاست امنیتی منطقه ای رژیم به اجرا در می‌آید. از این رو افشای این سیاست راسیستی و وظیفه ای هر انسان آزاده ای است. این دو گزارش را در زیر بخوانید

حکایت بی‌پایان متکدیان افغانی در سیستان و بلوچستان

به گزارش خبرگزاری فارس از زاهدان، یکی از معضلات شهرستان زاهدان، حضور متکدیان به ویژه متکدیان خارجی است که به صورت غیرقانونی وارد شهر زاهدان شده و در حواشی شهر اسکان می‌یابند و چهره شهر زاهدان را خدشه‌دار کرده است.....

این امر معضلاتی از جمله تهدید سلامت و بهداشت شهروندان، سد معبر در معابر عمومی، فروش تعرفه‌های مساجد برای جمع‌آوری کمک‌های مردم، ترویج خرافات در آذهان عمومی، ساخت صحنه‌های وحشتناک از وضعیت بیماری و مصدومیت‌های بدنشان برای عوام فریبی، زیر سنوآل بردن هویت شهروندان و سلب آسایش در ساعات استراحت را در پی دارد.

افرادی که در خیابان‌ها اقدام به گدایی می‌کنند، علاوه بر آن‌که باعث زشت شدن سیمای شهرستان زاهدان می‌شوند، با حضور در معابر عمومی و خیابان‌ها برای مردم ایجاد مزاحمت هم می‌کنند.

*مرکز ویژه جمع‌آوری متکدیان شهر زاهدان احداث می‌شود

محمد تقی اوکاتی مدیرکل دفتر امور اجتماعی استانداری سیستان و بلوچستان در زمینه آخرین اقدامات انجام شده برای مهار تکدیگری و متولی اصلی آن در زاهدان به خبرنگار فارس در زاهدان اظهار داشت: با همکاری شهرداری و سایر دستگاه‌های مربوطه، در آینده‌ای نزدیک مرکز جمع‌آوری متکدیان در زاهدان افتتاح می‌شود.

متکدیان شهرستانی هم با حمایت ستاد ساماندهی به شهرهای خودشان روانه خواهند شد.

*کنسولگری‌ها نباید به افراد کم بضاعت ویزا بدهند

اوکاتی گفت: متکدیان خارجی هیچ جایگاهی در ایران به ویژه سیستان و بلوچستان ندارند و کنسولگری‌ها نباید به افراد کم بضاعتی که با هدف متکدی‌گری وارد ایران یا این منطقه می‌شوند ویزا بدهند.

*طرحدود ۳ هزار متکدی از سطح سیستان و بلوچستان

محمد عرب، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان نیز در زمینه متکدیان ترد شده خارجی از این استان اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۳ هزار نفر از متکدیان از سطح استان سیستان و بلوچستان دستگیر و برای طرد به مراجع قانونی تحویل داده شده‌اند.

گدایان پاکستانی به صورت فصلی وارد شهر زاهدان می‌شوند، چون مردم شهر از اجاره مسکن به آنها امتناع کرده و آنها مجبورند در حاشیه شهر که دارای کمترین امکانات است، ساکن شوند.

امیدواریم با انسداد مرز و کنترل میدادی ورودی و خروجی استان سیستان و بلوچستان، راه‌اندازی مرکز جمع‌آوری متکدیان و تحقق سایر اقدامات در دست اجرای مسوولان مربوطه در آینده‌ای نزدیک، کوچه و خیابان‌های زاهدان از وجود این افراد پاک شود.

گزارش: شیوا و مریم سرگزی

خبرنگاران فارس در سیستان و بلوچستان

مهمانان ناخوانده فرصت‌های اشتغال ایرانیان را ربوده‌اند

بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار مهاجر افغانی در ایران، یک میلیون و ۶۰۰ هزار فرصت شغلی را اشغال کرده و مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده‌اند.

* ورود اتباع خارجه غیر مجاز (افغانه) به داخل کشور

به عنوان مثال دستگیری بیش از (۳۹/۳۰۰) نفر از اتباع خارجه (افغانه) در هفت ماهه سال‌جاری است

* آسیب‌ها و تهدیدات ورود افغانه

جانشین اداره اجتماعی مرزبانی سیستان و بلوچستان افزود: افزایش گرایش ازدواج افغانه با ایرانیان به ویژه مردان افغان با

زنان ایرانی و بازگشت احتمالی بسیاری از این افراد پس از مدتی به افغانستان و از هم پاشیدگی خانواده‌های افغانی، ایرانی که چالش‌های جدی اجتماعی در کشور به ویژه در مرزها و استان‌های شرقی کشور را به وجود آورده است.

وی افزود: با توجه به عدم کنترل و نظارت شبکه‌های بهداشت و درمان این افراد می‌توانند یکی از عاملان انواع بیماری‌های واگیردار و به ویژه آنفولانزا و سل باشند که تبعات گاه جبران ناپذیری در پی دارد.

کریمی اضافه کرد: استفاده این افراد از پارانه‌های دولتی مانند نان در حالی که این افراد مالیات نمی‌دهند یکی از مشکلات و معضلات اقتصادی در استان‌های شرقی است و سبب ایجاد ضربه‌های اقتصادی به کشور می‌شود.

وی گفت: حضور افغانه در داخل کشور به عنوان نیروی کار ارزان سبب افزایش بیکاری ایرانی‌ها و بالا رفتن نرخ آن شده است.

وی تصریح کرد: در صد قابل توجهی از جرائم رخ داده در استان‌های شرقی توسط مهاجران افغانی صورت می‌پذیرد .

دادگاه‌های فرمایشی، اتهام محاربه، سیاست ارباب

*وارد کردن اتهام سنگین محاربه به اسرای جنبش اعتراضی با هدف ارباب و جلوگیری از گسترش و تداوم جنبش اعتراضی مردم ایران صورت می‌گیرد.

دادسرای تهران: در یکی از پرونده‌ها طبق کیفرخواست صادره برای متهم درخواست مجازات به اتهام محاربه شده است.

روشن‌نگری: کودتاچیان در وحشت از گسترش اعتراضات مردمی، برپایی دادگاه‌های فرمایشی، محاکمه بازداشت شده گان بدور از هر گونه موازین حقوقی به اتهام "محاربه" با نظام را در پیش گرفته

اند تا از آن به عنوان وسیله ای برای ارباب مردم و جلوگیری از گسترش جنبش اعتراضی بهره برداری کنند. پس از عاشورای

خونین ۸۸ که با موجی از بازداشت‌های گسترده در سراسر ایران همراه بود، ابتدا اعلام شد که پنج نفر از دستگیرشدگان به اتهام

محاربه با نظام محاکمه می‌شوند. دادگاه "گروه یاران ایران" که متهم به بهایی‌گری هستند از روز سه شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸ در

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب آغاز شده است که اتهام آنها "محاربه با نظام" اعلام شده است. امروز نیز اعلام شده است که "پرونده

۱۶متمم عاشورا به دادگاه" ارسال شده که برای یکی از این زندانیان "درخواست مجازات به اتهام محاربه" شده است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، دادسرای عمومی و انقلاب تهران درباره پرونده متهم به "محاربه" گفته است: "در یکی از این پرونده‌ها طبق کیفرخواست صادره برای متهم درخواست مجازات به

اتهام محاربه شده است."

دادسرای عمومی و انقلاب تهران اتهام ۱۵ متهم دیگر این پرونده‌ها را "اجتماع و تبانی علیه امنیت و فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام"

اعلام کرده است.

طبق این گزارش، "کیفرخواست‌های صادره در پی تکمیل تحقیقات و مستند به گزارش ماموران و اقراریه تمامی ۱۶ متهم یاد شده صادر

شده است."

ایسنا اضافه کرده است که "دادسرای عمومی و انقلاب تهران جزئیات بیشتری درباره پرونده و نام این متهمان ارائه نکرده

است."

هدف اتهامات، ارباب است

برای همه روشن است که وارد کردن اتهام سنگین محاربه به اسرای جنبش اعتراضی با هدف ارباب و جلوگیری از گسترش و

تداوم جنبش اعتراضی مردم ایران صورت می‌گیرد. این اسرا گروگان‌ها می‌باشند در دست ایادی کودتا که رژیم برای زهر

چشم گرفتن از مردم از آنها استفاده می‌کند.

این وضعیت مبارزه علیه احکام اعدام و اعتراض علیه دادگاه‌های فرمایشی رژیم کودتا را به بخشی مهم از مبارزه علیه کودتاچیان و

درهم شکستن سیاست ارباب آنها تبدیل کرده است. اگر فشار سنگین سرکوب و بازداشت‌های فله ای شرایط اعتراض گسترده و

سراسری علیه برپایی دادگاه‌های فرمایشی و احکام محاربه رژیم را دشوار کرده است، در خارج از کشور که چنین فشاری وجود ندارد،

اعتراض وسیع و همه جانبه قطعاً می‌تواند فشار را بر کودتاچیان افزایش دهد و تا حدودی نقش بازدارندگی ایفا کند. ۲۵ دی ۱۳۸۸

مصاحبه سردبیر نشریه راه کارگر

با یاسمین منظر و مهدی اصلانی!

مسیری که حوادث ایران، بویژه پس "انتخابات" ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ پیموده، توجه افکار عمومی در ایران و جهان را بیش از گذشته بخود جلب نموده است.

جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران در ۶-۷ ماه گذشته، پس از طرح سنوالاتی که در بطن خود احترام به آراء ریخته شده در صندوق های آراء را هدف گرفته بود و پس مواجهه با سرکوب های بسیار خشن و خونین رژیم، با گامهایی بلند در مسیر تکاملی خویش، از تنگنای خواست های اصلاح طلبان نظام عبور کرد و با طرح شعارهایی نظیر:

خامنه ای این آخرین پیام است/ هر کوچه، هر خیابان، دانشگاه ایران است.

خامنه ای قاتله / کل نظام باطله.

مرگ بر ستمگر/ چه شاه باشه، چه رهبر.

مرگ بر دیکتاتور - مرگ بر خامنه ای .

نه تنها در تشدید شکاف مابین اصلاح طلبان دولتی و حکومت و فروز بر آن تأثیرگذاری بر خواست های اصلاح طلبان موفق بوده است، بلکه از ۱۶ آذر و بویژه ششم دیماه امسال (روز عاشورا) و پس از آنکه آرایش صحنه سیاسی در ایران تغییر داده است، بلکه بنابر اظهارات صریح خود رهبران اصلاح طلبان دولتی، اکنون این رهبران اصلاح طلب هستند که بدنبال مردم روانند و به آنها "پناهنده" شده اند.

در ۶ دیماه امسال، که مردم معترض به نظام، در سراسر ایران به مسالمت آمیز ترین شکل خود خواهان احترام به آراء شان بودند، بار دیگر با پاسخ رژیم که کشتار، سرکوب و زندان و موج وسیع دستگیرها بود، مواجه شدند. لذا بیش از گذشته خواست ابطال رژیم را در شعارهایشان فریاد زدند.

اکنون جنبش اعتراضی مردم با کوله بار بیش از ۳۰ سال مقابله با رژیم و بویژه تجربه ۶ - ۷ ماه گذشته، در مقابل دستگاه ولایت مصمم تر صف آرایی نموده است.

پس از حوادث ۶ دیماه امسال (روز عاشورا)، از یک طرف دستگاه ولایت و دولت کودتایی احمدی نژاد، با وجود آنکه ناتوانی خویش در اداره جامعه بشکل تکتونی را بی ردا و پوشش در معرض دیدهمگان قرار داده اند، اما، باز هم بر عدم پذیرش بحران شکننده ای که سراپای رژیم و جامعه را فراگرفته است، پای میفشارند و از طرف دیگر خود و یا توسط سخنگویان شان مردم را "خس و خاشاک"، "کوساله و بزغاله" خوانده و اخیراً با اعلام آخرین اخطار از جانب علی خامنه ای، توده های ناراضی و حق طلب را به سرکوب و کشتار بیش از گذشته تهدید نموده اند.

اما همه شواهد و قرانن حاکی از آنست که از جانبی خشم فروخته مردم (بویژه در حوادث ۶-۷ ماه اخیر) آنچنان عزمی در مردم بوجود آورده است، که دیگر نمیخواند اداره جامعه بشیوه تا کنونی را تحمل نمایند و از جانب دیگر دستگاه ولایت نیز قادر نیست به شیوه گذشته حکومت نماید. با توجه به مطالب فوق الذکر تصمیم گرفتم که در تماس با تعدادی از فعالین و صاحب نظران اپوزیسیون ترقیخواه رژیم جمهوری اسلامی ایران نظر آنان را در مورد سنوالات ذیل جویا شوم.

۱ - ارزیابی شما از وضعیت کنونی ایران چیست؟

۲ - بنظر شما راه برون رفت جامعه ما از بحران کنونی کدام است؟

اکنون به ترتیب دریافت پاسخ ها، نظرات ارائه شده را در صفحات نشریه درج مینمایم. از همکاری همه فعالینی که زحمت پاسخگویی باین سنوالات را بر خود هموار نموده اند، صمیمانه سپاسگزارم. منصور نجفی

مصاحبه با یاسمین منظر!

منصور نجفی: ارزیابی شما از وضعیت کنونی ایران چیست؟

یاسمین منظر: من فکر میکنم ما با شرایط حساسی روبرو هستیم. از یکطرف جنبش اعتراضی، خصوصاً پس از تظاهرات عاشورا، وارد مرحله جدیدی شده و به تأیید همگان شعارها و خواستهای رادیکالتری مطرح میکند. از طرف دیگر اصلاحطلبان صدای انقلاب را شنیده اند و نگران از اینکه طغیان انقلابی کوششهای اصلاح طلبانه آنها را به خطر بیندازد در دو سه هفته اخیر سعی کرده اند با ارائه پلتفرمهای سازش جوی حرکت انقلابی را بگیرند و در این رابطه یکی از جناحهای اصول گرایان هم گامهایی برداشته است.

شعارهای تظاهرات کنندگان در آذر ماه و دی ماه روشن و دقیق است، آنها پی سرنگونی نظام ولایت فقیه هستند:

نه اسلام نه قرآن / جاتم فدای ایران -حکومت امامه / دیگه کارش تمامه- برای سرنگونی نظام / آماده قیامیم ...

آقایان موسوی، خاتمی، کروبی در بیانیها و سخنرانیهای اخیر بار دیگر کوشیده اند از این آخرین فرصت برای نجات نظام موجود استفاده کنند و جناح مخالف را متوجه "خطر انقلاب" کنند. بیانیه موسوی شکی در این مورد باقی نمیگذارد:

«ما من برآنم که راه حل مشکلات پیش آمده و بحران موجود چنین است؛ وضعیت کشور امروز چون رودخانه خروشان و عظیمی است که سیلابهای تند و حوادث گوناگون باعث طغیان و گل آلود شدن آن شده است. راه آرام کردن این رودخانه بزرگ و روشن ساختن و زلال کردن آب آن در یک اقدام سریع و عاجل امکان پذیر نیست. اندیشیدن به این گونه راه حلها که عده ای تویه کنند و عده ای معامله کنند و بده و بستانی صورت گیرد تا این مشکل بزرگ حل شود عملاً به بیراهه رفتن است.

بنده راه حل را در روانه ساختن نهرها و چشمه هایی از آب روشن و شیرین به بستر این رودخانه می دانم که بتدریج و طی یک فرآیند تدریجی کیفیت آب و وضع رودخانه را تغییر دهد. و نیز اعتقاد دارم که هنوز دیر نشده است و نظام ما آن قدرت را دارد که در صورت تدبیر و در صورت داشتن یک نگاه احترام آمیز و توأم با ملاحظت به همه ملت و اقشار آن این مهم را بانجام برساند. بنده تعدادی از این راه حلها را که چون نهرها و چشمه هایی از آب روشن می تواند فضای ملی را تحت تاثیر قرار دهد و اوضاع را به سمت بهبود ببرد»

ما از آنجا که بر خلاف تصور این جمع فرصت برای نجات ولی فقیه مدتهاست از دست رفته است ما حتما شاهد جدایی بیشتر میان جنبش اعتراضی و رهبران "سبز" خواهیم بود.

البته باید دید عکس العمل جناح حاکم به این سازشها چگونه است، اما بعید است پس از این همه درگیریها، اعتراضات، پس از این همه سرکوب و خشونت حاکمان-معترضین حاضر باشند چنین عقب نشینی را بپذیرند.

از طرف دیگر من مانند بسیاری از فعالین چپ معتقدم تداوم اعتراضهای گسترده در چند ماه گذشته علاوه بر دلایل سیاسی، ریشه در بحران اقتصادی و وضع اسفناک زندگی اکثریت قریب به اتفاق جامعه، یعنی نیروی کار، دارد.

بیکار سازیها، خصوصی سازی ها، عدم پرداخت دستمزد ها، کار موقت .. همه و همه به گسترش فقر و بدبختی کمک کرده است متممآن تصویب لایحه حذف رایانه ها، باعث گرانیقیمت ها شدهین وضع را بدتر هم خواهد کرد، در چنین شرایطی بعید است سازش برخی در جنبش "سبز" تأثیری بر روند اعتراضات بگذارد.

منصور نجفی: بنظر شما راه برون رفت جامعه ما از بحران کنونی کدام است؟

یاسمین منظر: پاسخ به این سنوال دشوار است چرا که به فاکتورهای بیشماری که خارج از اراده ما بر روند وقایع هفته های آینده تاثیر خواهند گذاشت، بستگی دارد.

هر صورت معترضین، تظاهر کنندگان تا کنون بهای سنگینی پرداخته اند و حتما باید مبارزه را تا پیروزی، که حداقل آن سرنگونی جمهوری اسلامی، جدایی کامل دین از دولت و برقراری دموکراسی است، ادامه داد. واقعیت این است که دستیابی به همین خواست پایه بی، جز از طبقه کارگر ایران، از بخش دیگری از جامعه بر نمیآید. علتش هم واضح است. در دوران بحران شدید اقتصادی، هر جناحی از تنها طبقه تعیین کننده دیگر در جامعه، یعنی طبقه سرمایه دار به قدرت برسد، یا باید نوعی خرافات مذهبی، دینی (ولو در شکلی مدرن تر و عام پسند تر) را برای اعمال قدرت دنبال کند، یا باید به ناسیونالیسم و دیگر دیدگاههای ارتجاعی برای سلطه بر جامعه اتکا کند. هر کدام را تصور کنیم در هر صورت توانایی پاسخ گویی به خواستهای اقتصادی برایش میسر نخواهد بود، از این رو است که دیر یا زود به سرکوب دست خواهد زد. پاسخگویی به خواست اولیه مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی، تنها از طبقه کارگر ایران بر میآید که جز زنجیرهایش چیزی برای از دست دادن ندارد.

البته اکثر جامعه ما هنوز به این مساله واقف نیستند و کار سیاسی تبلیغی در این مورد وظیفه اصلی همه نیروهای چپ است.

ا همه وضعی که در سازماندهی طبقه کارگر وجود دارد هر راه حل دیگری را تصور کنید، تنها زمینه ساز بحرانهای بعدی است -

مصاحبه نشریه راه کارگر با مهدی اصلانی !

با سلام و عرض خسته نباشید به دست‌اندرکاران و سردبیر محترم نشریه راه کارگر. سعی می‌کنم به قدر بضاعت دانسته‌هایم به دو سوال شما پاسخ گویم:

منصور نجفی : ارزیابی شما از وضعیت کنونی ایران چیست؟

مهدی اصلانی : کشور ما ایران این روزها دچار موقعیتی شده است که کمتر غیب‌گویی تصور پیش‌بینی و وقوع آن‌را در شش ماه گذشته داشت. وضعیتی که به اصطلاح شطرنج‌بازان باید بدان موقعیت "پات" اطلاق کرد. شش ماه قبل ولی فقیه و کاندیدای مورد علاقه‌اش خود را در وضعیتی قرار دادند که بیرون آمدن از آن روز به روز دشوارتر می‌شود. جنبشی که از میان شکست‌های پی در پی سی سال گذشته قدافراخته می‌توان به جرأت آن‌را برآیند تمامی مبارزات دوران پس از انقلاب خواند. از جمله ویژه‌گی‌های جنبش عمومی اخیر آن‌که عصری که در همه‌ی سی سال گذشته فاقد آن بوده‌ایم یعنی عصر اعتماد، به مبارزات مردمی اضافه شده است. به واقع جامعه‌ی جوان شده‌ی ایرانی گم‌شده‌ی سی ساله خود را از پس سرکوب خیزش‌های عمومی جدا از هم پیدا کرده است. در یک سوی این میدان رزم، مردمی قرار گرفته‌اند که این روزها به قدرت خود پی برده و دیگر نمی‌خواهند سهم خود را تنها از اردوی شکست‌خورده‌گان گیرند. کسانی که در اعتراض به دزدیده شدن آرایشان یا دست‌کم بدین بهانه با همراهی دیگر لایه‌های اجتماعی فاکتور خیابان را به سلاحی موثر در نافرمانی مدنی بدل کرده و امروز با گذشتن از آن خواسته‌ها و با کشاندن رهبران نمادین جنبش به دنبال خود، خواهان تغییرات بنیادین هستند. این همه محصول بی‌زاری عمومی از حکومتی است که شایسته‌ی حکمرانی بر چنین ملتی نمی‌باشد. با جواب ندادن شیوه‌های سرکوب توسط سردمداران حکومت در شش ماهه گذشته و عدم موفقیت در کنترل جامعه، سردمداران حوزه و چاه، ناتوان از حذف فاکتور اعتراض "کاسه چمک" به دست گرفته‌اند. نافرمانی‌مدنی به شیوه‌هایی متنوع و رنگارنگ، که ذاتی این جنبش عمومی است- ادامه دارد. عبور جنبش توده‌ای از راه ناهموار مرحله‌ی اول که به بهانه تقلب انتخاباتی و در اساس مقابله با تحقیر ولی فقیه و حکومتی که تمایل به خار کردن و نترل دادن مردم در حد کوه‌نشینانی از نوع "توراورا" در افغانستان داشت عبور کرده است. پس از ناکامی باند نظامیان کودتاچی در کاربست چنین سیاستی، -به ویژه پس از وقایع عاشورا- سردمداران حوزه و چاه با تست ترور و انفجار، با تمامی توان سعی در عراقیزه کردن جامعه دارند. آن‌ها اگر فرصت داشتند و می‌توانستند، بدشان نمی‌آمد ایران را تبدیل به عراق دوران صدام به علاوه چاه چمکران کنند. ما برخلاف تمامی بود نامبارک جمهوری اسلامی این‌بار با یک جنبش ملی و در عین حال با یک بحران فراگیر مواجهیم. دیگر هیچکس حتا ولی فقیه قادر به انکار بحران نیست. کمترین دست‌آورد این مرحله از جنبش آن است که کودکان فردا در کتاب‌های درسی تاریخ، نام علی خامنه‌ای را به عنوان آخرین ولی فقیه حکومت اسلامی برای نمره گرفتن در درس تاریخ از بر خواهند کرد. به دور از هرگونه غیب‌گویی -که البته بدان مجهز نیستیم- و با خوش‌بینی که هیچ‌گاه چون امروز دچارش نبوده‌ام، معتقدم وضعیت کنونی جامعه به گونه‌ای است که دست زدن به کشتار عمومی توسط تئوریسین‌های چمکرانی نه تنها هیچ شانسی برای بقای بیشتر این حکومت نخواهد داشت، بلکه کیفیت جنبش عمومی به گونه‌ای است که حق تیر را از اینان سلب کرده است. انداختن اوپاش و آدم‌کشانی تحت لوای لباس شخصی به جان مردم جواب نداده و نخواهد داد. ایران افغانستان و عراق نخواهد شد. با کهریزک نمی‌توان به مقابله با جنبش مدنی و فراگیر برخاست. دلیل آن هم روشن است این‌بار زور حکومت به مردم نمی‌رسد.

منصور نجفی : بنظر شما راه برون رفت جامعه ما از بحران کنونی کدام است؟

مهدی اصلانی : راه برون‌رفت از بحران؟ دریافت من از سوال شما این گونه است که قبل از جامعه این حکومتیان هستند که باید به این پرسش پاسخ گویند. به اعتقاد من و با توجه به حوادث اخیر و پس از صدور بیانیه هفدهم میرحسین موسوی، تمایل به نوعی سازش و کدخدانمشی در حل بحران در جناح ولایت فقیه و جبهه موسوم به جنبش سبز و رهبر نمادینش میرحسین موسوی مشاهده می‌شود. بیانیه هفدهم موسوی برآیند نوعی رایزنی و مشاوره با کسانی از داخل و خارج از حاکمیت بود. شاید نزدیکترین و دم‌دست‌ترین و البته خوش‌بینانه‌ترین آن را در آینده ای نزدیک و در گونه‌ای از جا به جایی و تغییر در میان حکومتیان و دادن امتیازاتی به مردم و احتمالا یافتن مقصرانی دست‌چندم و مجازات احتمالی‌شان

بتوان مشاهده کرد (ماجرای کهریزک و مرتضوی) این شکل خروج از بحران در عین سازش دوجناح، دگرگونی تدریجی را میسر خواهد ساخت و در ظاهر هزینه پرداخت آن برای دوطرف خیلی بالا نخواهد بود. این اما صورت مسئله است. اشکال اساسی آن‌جا نهفته است که جبهه‌ی مقابل فاقد یکدستی و اتفاق آرا در حل بحران است و شکاف موجود در کانون‌های چندگانه‌ی قدرت در هرم حکومتی، تصمیم‌گیری واحد در پیداکردن راه‌حل برون‌رفت از بحران را با دشواری‌های جدی مواجه ساخته است. سه جریان عمده در کانون قدرت، یعنی ایثارگران و رده‌پویان انقلاب، هیئت مؤتلفه اسلامی. رایحه خوش خدمت. با تفاوت‌هایی در شیوه برخورد، کنترل اوضاع را در برنامه خود دارند اما با شیوه‌هایی یکسر متفاوت. به ظاهر به غیر از "رایحه خوش خدمت" یعنی باند احمدی‌نژاد که مافیای سپاه پشتیبان اصلی آن است و هر نوع عقب‌نشینی را در شرایط فعلی برای خود خودکشی می‌پندارد، دو جریان دیگر باور به معامله و بده بستن با جنبش سبز دارند. امتیازدهی و امتیازگیری. اختلاف در شیوه‌های برخورد این سه جریان در ماه‌های اخیر دیگر بر کمتر کسی پوشیده مانده است. نمونه‌هایی همچون پیام ولی فقیه به مناسبت درگذشت آیت‌الله منتظری و سکوت دولت در این باره. برکناری وزیر اطلاعات. استعفا‌ی نمایشی حسین‌یان. پادرمیانی محسن رضایی در حل کدخدانمشیانه در پیام به رهبر و... مشت نمونه خروار است. راه برون‌رفت از بحران کنونی نه با اراده گرایان و نگاه‌های محدود که در حوزه‌ی عمومی قابل دسترسی است. جنبش عمومی و فرآیندولوژیک جاری در کشور دیگر نه "ولایت جانر" را پذیراست و نه ولایت ملایم را. کار چانه‌زنی دوطرفه در داخل شاید پاسخگوی منافع میان‌مدت و کوتاه مدت باشد، اما مشکل جامعه ایران را حل نخواهد کرد. این جنبش پُرانگیزه با تمامی محدودیت‌هایی که دارد خاصیتی درازمدت داشته و قابل بازگشت نیست. لذا من برای این جنبش خصوصیتی "دوسربرد" قانلم. هر اندازه نیروهای خشونت‌خواه دامنه‌ی سرکوب را گسترش دهند، از پس کینه و نفرت بی‌بدیلی که میلیون‌ها به تنگ‌آمده را به خود واداشته بر نخواهند آمد. دیگر با طرح‌هایی از قبیل محدود کردن ولی فقیه و تغییر در دولت نمی‌توان ولی فقیه این موجود رو به موت را زنده نگاه داشت. خواست عمومی از بزک کردن و آرایش نظام عبور کرده است. مردم فهمیده‌اند که قدرتشان کجاست؟ آیا دیگران نیز به این درک خواهند رسید.

* پیوندها *

سردبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند ، الزاما بیانگر مواضع سازمان نیستند .

با بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و دیگر جنبش ها توده ها را نمی توان از مبارزه باز داشت !

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه که خود را عاجزتر از هر زمان دیگری در تاریخ حیاتش در مقابل مبارزه ی توده های به پاخاسته بر علیه سی سال خفقان و شکنجه و تحمیل نداری و فقر می بیند، به رهبران کارگری و دیگر جنبش ها جنگ و دندان نشان می دهد و آنها از خیابان و محل کار و تحصیل و منازل شان می رباید و به شکنجه گاههای خود می برد. حامیان سرمایه فکر می کنند که با این کار می توانند جلوی مبارزه پیشرونده کارگران و بویژه توده هایی که در برابر چشمان مزدورانشان شعار مرگ بر دسته ی حاکمان را سر می دهند، بگیرند. اما باید یادآوری کرد که دیگر نمی شود با این اعمال خانفانه و از سر استیصال، آب رفته را به جوی برگرداند. جنبش توده ها چون لوکوموتیوی راه افتاده است و شما را زیر خواهد گرفت. این وحشت شما را ما در سخنان رهبرتان که گفت "اوضاع غبارآلود است" بهتر از هر فریاد تان شنیدیم. توده های کارگر و زحمتکش این را مانند سخنان شاه که گفت " من صدای انقلاب شما را شنیدم" می پذیرند و حمله خویش را شدت خواهند داد.

آخرین گزارش حاکی از این است که روز پنجشنبه مورخ ۲۴ دی ماه ۱۳۸۸ مجید حمیدی از فعالین کارگری شهر سنندج و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را در خیابان ربوده اند. قابل ذکر است که این فعال کارگری در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۸۶ در صبح زود مقابل منزلش مورد یک حمله تروریستی نا موفق قرار گرفته بود که هنوز ۷ گلوله در بدنش باقی مانده اند. این دستگیری در حالی انجام می گیرد که در همین هفته ها و روزهای اخیر بسیاری از فعالین کارگری و دانشجویی و زنان را بازداشت و زندانی کرده اند از آن جمله می توان به ترور نا موفق جمال کریم پور در روستای مولان آباد سقز، دستگیری ی آزادی خالد حسینی که این دو فعال کارگری نیز عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک ... هستند، دستگیری ساعد شریفی عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران اشاره نمود. در تاریخ ۱۴ دی ماه رضا رخشان مسنول روابط عمومی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را نیز بازداشت کرده و به زندان بردند.

این بگیر و ببند فعالین کارگری در زمانی انجام می گیرد که به دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد با چاقو و زنجیر و.. حمله نموده و دو نفر را به قتل رساندند و تا کنون نزدیک به ۲۰۰ نفر از دانشجویان را دستگیر کرده اند. دانشجویان با اعتصابات خود جواب داده اند. در شنبه ی گذشته نیز به مادران عزادار حمله کرده و حتی به مادر هفتاد و چند ساله نیز رحم نکردند، ولی مادران به جای ترس از وحشیگری، جواب دادند که شما رفتی هستی و ما ماندنی و دو روز دیگر دم درزندان اوین جمع شدند و زندانبانان را وادار به آزادی مادران بازداشت شده نمودند.

پس، اگر حمله به زن و بچه کارگران شرکت واحد، اگر پرتاب کردن کیسول گاز به وسط صف کودکان و پیر مردان و پیر زنان در تظاهرات کارگران هفت تپه، اگر یورش به کارگران در پارک لاله در روز کارگر، اگر به گلوله بستن و شکنجه و تجاوز به دختران و پسران و به قتل رساندنشان در حوادث اخیر و بالاخره اگر زندانی کردن ۵ نفر از رهبران سندیکای کارگران هفت تپه و بازداشت و شکنجه و تجاوز جنسی و کشتن صد ها دانشجو و زن و کارگر نه توانست ذره ای در عزم جزم کرده ی توده ها برای سرنگونی جمهوری اسلامی تان خدشه ای وارد نکند، بدانید که به طریق اولی دستگیری فعالان کارگری نیز، برای شما امرعانی جز بیزاری و نفرت بیشتر نمی آورد.

ما فعالین متشکل در نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور، ضمن ابراز بی زاری و نفرت از هر گونه اذیت و آزاری نسبت به توده های به پا خاسته و محکومیت دستگیری و زندانی نمودن فعالین کارگری، دانشجویی و زنان، بار دیگر آمادگی خویش را برای یک مبارزه همه جانبه تا آزادی فعالین همه ی جنبش های اجتماعی از جمله رضا رخشان و دیگر مسنولین زندانی سندیکای هفت تپه اعلام می کنیم و از همه فعالین کارگری، سوسیالیست و احزاب و سازمانهای مدافع حقوق انسان و کارگران، در خواست می کنیم که ما را در این مبارزه یاری و مساعدت نمایند. سران رژیم حامی سرمایه نیز باید بدانند که دستگیری و زندانی و

شکنجه کردن فعالین کارگری و دیگر جنبش ها ذره ای از مبارزات توده ها نمی کاهد بلکه آتش آن را شعله ور تر می کند، دور نیست روزی که شما در میان این شعله ها بسوزید. ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا
- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه
- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر
- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی
- شبکه همبستگی کارگری
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن
- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا

ممانعت از تودیع قرار وثیقه سنگین

یک فعال کارگری

خبرگزاری هرانا - حقوق کارگران: دادگستری شهرستان شوش از تودیع قرار وثیقه یک فعال کارگری در بند ممانعت به عمل آورد. به گزارش واحد کارگری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دادستان شهرستان شوش برای آزادی موقت رضا رخشان مسنول روابط عمومی سندیکای کارگران هفت تپه قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی صادر نموده است که از تودیع آن توسط خانواده وی نیز ممانعت به عمل می آورد.

۲۶ دیماه ۱۳۸۸

فعال کارگری در بند در آستانه دادگاه مجدد

مهدی فراخی شاندیز فعال کارگری در بند مجددا در پایان محکومیت خود محاکمه خواهد شد.

خبرگزاری هرانا: یک فعال کارگری محبوس در زندان اوین در پایان دوره محکومیت ۸ ماهه خود مجددا محاکمه خواهد شد. به گزارش واحد کارگران مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مهدی فراخی شاندیز فعال کارگری محبوس در زندان اوین که به علت شرکت در تجمع روز جهانی کارگر با اتهام توهین به رهبری به ۸ ماه زندان محکوم شده بود در پایان دوره محکومیت خود مجددا به دلیل تجمع در پارک لاله محاکمه خواهد شد.

لازم به ذکر است دوره محکومیت این فعال صنفی در تاریخ سوم بهمن ماه رو به اتمام است و آقای شاندیز در مجتمع قنوسی در خیابان کوه نور (شعبه ۱۰۲۸) به دلیل شرکت در تجمع پارک لاله محاکمه خواهد شد، همچنین در دادگاهی دیگر، نامبرده در ۱۴ بهمن ماه توسط شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب به دلیل جمع آوری امضا در ترمینال خاوران برای آزادی منصور اساتلو قرار است محاکمه شود. ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰

عشرت آباد جانشین کهریزک

خبرنامه امیرکبیر: در پی حوادث وسیع و گسترده ی مربوط به روز عاشورا که بازتاب بین المللی وسیعی همراه داشت، خبرهای بازداشت شدگان این روز که منابع دولتی تعدادشان را ۳۰۰ نفر و منابع خبری مستقل این تعداد را تا بیش از هزار و پانصد نفر اعلام کرده اند، موج جدیدی از نگرانی ها را به دنبال آورد. گزارشهای دریافتی از بازداشتگاه عشرت آباد که به عقیده ی برخی شکنجه گاهی جایگزین برای کهریزک به شمار می آید و همچنین گزارش از وضعیت بد و نابسامان و برخورد های غیر انسانی با زنان بازداشتی این نگرانیها را تشدید کرد.

دو عرصه مهم پیکار سیاسی در وضعیت کنونی و الزامات آن

گفتار سیاسی رادیو راه کارگر

چهارشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۸۸ - ۱۳ ژانویه ۲۰۱۰

دو عرصه عمومی مهم در مبارزه مردم ایران علیه استبداد مذهبی به موازات هم و به شکلی درهم تنیده جریان دارد که درک الزامات آن می تواند به شفاف تر شدن فضا و شناخت بهتر روندها کمک کند، مانع ابهام و سردرگمی در درون انبوه رویدادها گردد و منطق وجودی منظومه ای از کنش ها را توضیح دهد. عرصه نخست، خصلت ضد دیکتاتوری مرحله کنونی مبارزه مردم است. معنای مرحله ضد دیکتاتوری آن است که طیف گوناگونی از نیروهای دارای هدف های سیاسی متمایز در مقابله با دستگاه ولایت فقیه که هسته اصلی و سفت رژیم دیکتاتوری مذهبی است به درجات گوناگون ذیتفق اند و به درجات مختلف در این مبارزه همسو هستند. با این که در دنیای واقعی مرزهای عبورناپذیری مراحل مختلف مبارزه مردم را هم جدا نمی سازد و با این که تشخیص آماج اصلی پیکار مردم در هر مقطع معین برآیند مجموعه سطوح مبارزه بخش های مختلف مردم است، اصلی ترین و برجسته ترین الزام ناشی از مرحله کنونی جلوگیری از پراکندگی و تفرقه درونی جنبش و حفظ اتحاد عمومی در حمله به ارکان دیکتاتوری است. معنای این الزام آن است که تفاوت نظر طبیعی و اختلافات واقعی موجود میان شرکت کنندگان جنبش ضد دیکتاتوری به شکلی بازتاب نیابد که پیشروی جنبش اعتراضی را ناممکن کند و فضا و موقعیتی برای کودتاییان فراهم سازد که بتوانند از طریق وارد شدن در شکاف ها و قرار دادن بخش های مختلف جنبش اعتراضی در برابر هم، کلیت این جنبش را به بیراهه برده و به نابودی بکشند. تا زمانی که درهم شکستن رژیم کودتا و دستگاه اصلی هدایتگر آن مساله اصلی و حیاتی جنبش اعتراضی محسوب می شود این الزام در تعیین راهکارهای مبارزه باید نقش مرکزی داشته باشد.

عرصه دوم، اما عرصه رقابت بر سر جایگزینی است. زیرا این واقعیت که مساله اصلی که حل آن در کانون مرکزی توجه عمومی قرار می گیرد مساله قدرت سیاسی و تعیین تکلیف با آن است، هنوز چگونگی تعیین تکلیف و نقش نیروهای مختلف و سیاست ها و هدف ها و برنامه های مختلف در درون جنبش اعتراضی را روشن نمی کند. ناگفته روشن است که اینجا عرصه رقابت، شکل گیری بلوک بندی های مختلف، دسته بندی ها و عرصه تغییر نقش و نفوذ نیروهاست. و این رقابت درست درآمخته و درهم تنیده با مبارزه ضد دیکتاتوری پیش می رود. اگر حفظ همسویی در عرصه پیکار ضد دیکتاتوری، یک الزام عمومی است، رقابت بر سر کسب نفوذ و موقعیت فرادستی در جنبش عمومی ضد دیکتاتوری در میان نیروها و گرایش های گوناگون طبقاتی از راهکار واحد و یکسانی پیروی نمی کند. نیروها و گرایش های مختلف سیاسی بسته به میزان نفوذ، موقعیت بلافصل و جایگاه طبقاتی شان است که شکل های رقابت بر سر کسب موقعیت فرادست در جنبش عمومی اعتراضی را تعیین می کنند. عدم درک تنوع عرصه رقابت، و کپی برداری ساده و خطی از شکل های مسلط رقابت و کشیده شدن به دنبال مباحثاتی که همراه آن مطرح می شود، بویژه از سوی نیروهای چپ و سوسیالیست به دنباله روی و بازی در بساط دیگران و وارد شدن به میدان های رقابتی می انجامد که الزامات آن از بیرون از مقررات واقعی پیشروی واقعی آنها در عرصه کسب نفوذ اجتماعی دیکته شده است. البته در مبارزه سیاسی احزاب و سازمان ها گاهی به دنبال هم کشیده می شوند، اما بویژه برای چپ باید روشن باشد که عرصه اصلی رقابتش با سایر گرایش ها در وضعیت کنونی نمی تواند صرفاً افشاگری و روشنگری نسبت به کوته بینی های سیاسی گرایش های دیگر و تمرکز صرف بر فاش سازی افق های محدود آنها و هدف های شان خلاصه شود. چپ اگر نمی خواهد خود را به مقام منتقد صرف دیگران که دارند بار خود را می بندند فروکاهد، و هویت خود را فقط از طریق نقد و نفی مباحثات رقبای نیرومند نقدا فرادست در جنبش اعتراضی که چیزی نیست جز ترجمان وارونه و گاه خدعه آمیز منافع آنان، تعریف کند، ناچار است به رقابت مثبت رو کند. یعنی سازماندهی کارگران و زحمتکشان، تمرکز بر اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم و راه اندازی ریل جنبش مطالباتی به عنوان بازوی نیرومند جنبش عمومی اعتراضی را به عنوان اهرم های واقعی تبدیل شدن به یک وزنه موثر سیاسی در موقعیت کنونی در اولویت خود قرار دهد و به هر مباحثه و مناظره ای، هر نقدی، و هر روشنگری ای از منظر نزدیکی و تحقق این اولویت ها بنگرد. چپ که می تواند ضامن تحقق آزادی و دموکراسی در جامعه ما باشد باید فرصت را را دریابد و الزامات خود را بر همین اساس بنا کند.

ایران در آینه آمار

تهیه و گردآوری: مریم اماتی - رادیو راه کارگر

جمعه ۲۵ دی ۱۳۸۸ - ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰

عدم تناسب میان خط فقر و حداقل دستمزد، وجود بیش از یک میلیون معناد حرفه ای، ورود غیرقانونی میلیاردها دلار بنزین و گازوئیل به کشور، سهم حقیرانه تهرانی ها از هوای پاک، افزایش بودجه بسیج، و آمار جدید از موقعیت طبقاتی کاربران اینترنت در ایران، عناوین آمارهای روز است؛ آمارهایی که هر یک فرازی از عدم توازن عمیق، بحران زا و نهادینه شده در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی در کشور ما را بازتاب می دهد:

در کشور یک میلیون و ۱۶۰ هزار معناد حرفه ای و ۸۰۰ هزار معناد غیرحرفه ای وجود دارد. مسولان آموزش و پرورش در جلسه بررسی اعتیاد در مدارس آمار دانش آموزان معناد کشور را ۰/۲ درصد جمعیت معنادان کل کشور برآورد کردند. به گفته قائم مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر تعداد دانش آموزان معناد ۰/۵ درصد کل معنادان کشور است، سه درصد دانش آموزان در معرض خطر استفاده از مواد مخدر هستند، پنج درصد تجربه مصرف سیگار را دارند، سه درصد دیگر آنها در معرض خطر مصرف آن هستند، دو درصد دانش آموزان تجربه مصرف مشروبات الکلی را دارند و ۱۵ درصد دیگر نیز در معرض خطر استفاده از مشروبات الکلی هستند.

در یک گردهمایی در تهران اعلام شد: در حال حاضر حداقل ۳۳۵ واحد تولیدی در ۱۹ استان کشور با کمتر از ظرفیت مناسب و در بحران کار می کنند. خط فقر ۷۰۰ هزار تومان است و دستمزد کارگران ۲۶۳ هزار تومان.

دولت احمدی نژاد ظرف ۵ سال اخیر به صورت غیرقانونی حدود ۱۱ میلیارد دلار صرف واردات بنزین و گازوئیل کرده است. مجموعه پرداخت دولت برای سوخت در این مدت ۲۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده است.

مجلس در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ مبلغ ۳ هزار میلیارد تومان برای واردات بنزین و گازوئیل تصویب کرد، اما بر اساس مسوول مرکز پژوهشهای مجلس، پرداخت دولت در این بخش به ۵ هزار میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسید که نزدیک به دوبرابر بودجه تصویب شده بود. بودجه بسیج بازهم بیشتر می شود. به گفته فرمانده بسیج و به نوشته نشریه "صبح صادق" ارگان دفتر سیاسی سپاه، بودجه این نهاد در سال ۱۳۸۷ ۲۰۰٪ افزایش پیدا کرده و بصورت جداگانه از این بودجه، ۵۰ میلیارد تومان نیز برای کمک به بسیجیان بیکار در نظر گرفته شده است. در سال ۱۳۸۸ هم بر اساس اعلام نشریه برنامه ارگان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، بودجه بسیج ۴۵ میلیارد و ۲۳۸ میلیون تومان افزایش یافت.

سهم تهران از هوای پاک، ۲۱ روز است. براساس این آمار تنها ۷ درصد از هوای تهران پاک بوده است. بیشترین میزان هوای پاک مربوط به ماه آذر است که شامل ۹ روز می شود و ماه فروردین که ۴ روز هوای پاک داشته است. در دیمه امسال تاکنون تهران دو روز هوای پاک داشته است. براساس این آمار آلوده ترین ماه سال، تیرماه بوده که یک روز خطرناک، یک روز ناسالم و هفت روز بسیار ناسالم داشته است. در این ماه در هیچ روزی تهران شاهد هوای پاک نبوده است.

بیش از ۳۳ درصد کاربران اینترنت در ایران متعلق به جامعه متوسط اجتماعی است که نسبت به جمعیت آمار خود بالاترین کاربران را به خود اختصاص می دهند. به گزارش ابرار اقتصادی، بر اساس آمار بدست آمده در ۷ شهر کشور ۲۴ درصد استفاده کنندگان از اینترنت متعلق به جامعه مرفه و ۱۶ درصد متعلق به جامعه فقیر می باشند که با توجه به آمار جمعیتی هر یک از گروه ها می توان نتیجه گرفت قشر متوسط جامعه ۴۴ درصد بیشتر از سایر گروه های اجتماعی از اینترنت بهره می برند

انتقال یکصد تن از بازداشت شدگان وقایع اخیر به

انفرادیهای زندان رجایی شهر

به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، یکصد شهروند بازداشت شده در اعتراضات اخیر ایران ساعت ۲۱ مورخ ۲۳ دیمه در حالیکه که چشم تمامی افراد با "چشم بند" بسته شده بود به سلولهای انفرادی بند ۵ زندان رجایی شهر کرج منتقل شدند.

اعتراض علیه کشتار انسان‌ها به نام "محاربه با خدا"

* در شرایطی که بیش از ۴۰ زندانی سیاسی در زندان‌های ایران زیر اعدام هستند و محاکمات گروهی به اتهام "محاربه" شروع شده است، اقدامات هر چه وسیع‌تر در اعتراض به این سرکوبگری‌های کودتاچیان به امری عاجل و فوری تبدیل شده است....

روشنگری: رژیم کودتا و دستگاه ولایی هدایت‌گر آن پس از اعتراضات گسترده مردم در عاشورا، حربه ترور و سرکوب و اعدام را به کار گرفته است تا از این طریق حرکت اعتراضی مردم را مهار کند. برپایی دادگاههای نمایشی و وارد کردن اتهام محاربه به بازداشت شده گان با هدف ارباب صورت می‌گیرد. همچنان که ترور و بمب گذاری هدفی جز زمینه سازی برای امنیتی تر کردن فضا و گسترش خفقان به این بهانه ندارد. آنها که از ۲۲ خرداد به این سو فراز و فرودهای جنبش اعتراضی و مقابله کودتاچیان با خیزش مردم را دنبال کرده اند، بویژه این روزها در اهمیت برپایی کارزارهای هر چه گسترده تر اعتراضی علیه دادگاههای رژیم، علیه صدور احکام محاکمه و برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی کمترین تردیدی ندارند. نه فقط از این جهت که مبارزه علیه اعدام و عقب راندن حکومتی که به نام مذهب به قتل عام مخالفان و منتقدان اقدام می‌کند، بخشی اساسی از مبارزه برای حقوق بشر است، بلکه به این دلیل نیز که با درهم شکستن این موج بازداشت، سرکوب و محاکمات ضد بشری کودتاچیان، جنبش اعتراضی شرایط مساعدتری برای پیشروی به سوی برچیدن بساط دیکتاتوری و خودکامگی به دست می‌آورد. کمپین "من هم یک محارب هستم" از سوی گروهی از ویلاگ نویسندگان ایرانی، تلاشی است نمادین در بیان مخالفت با دادگاههای قرون وسطایی کودتاچیان. در همبستگی با این کمپین از سوی بیش از شصت تن از هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر، اساتید دانشگاه و فعالین حقوق زنان بیانیه ای انتشار یافته است که در آن از همه آزادیخواهان در خارج از کشور خواسته شده است تا با امضای خود و یا به هر شکل دیگری که می‌توانند برای پیشگیری از اعدام مخالفان، اعتراض به سرکوب و آزادی همه زندانیان سیاسی اقدام کنند.

آدرس ایمیل زیر برای امضای بیانیه، اعلام شده است:
iran.iraneazad@gmail.com
تردیدی وجود ندارد که همچنان که امضاکنندگان بیانیه نیز به تلویح آورده اند، تلاش برای جلوگیری از اعدام مخالفان تلاشی محدود به شکل و اقدام خاصی نیست. در حقیقت همه طیف های فکری و عقیدتی می‌توانند برپایه اشتراکات میان خود نسبت به برگزاری کارزارهای اعتراضی و دفاع از حقوق انسانی اقدام کنند. و هدف اگر برآستی اعلام حمایت از زندانیان سیاسی و بازداشت شده گانی باشد که اکنون زیر تیغ اتهام مرگبار "محاربه" دستگاه سرکوب رژیم قرار دارند، هیچ ابتکاری جا و عرصه بر ابتکارات دیگر تنگ نمی‌کند. در شرایطی که بیش از ۴۰ زندانی سیاسی در زندان‌های ایران زیر اعدام هستند و محاکمات گروهی به اتهام "محاربه" شروع شده است، اقدامات هر چه وسیع‌تر در اعتراض به این سرکوبگری‌های کودتاچیان به امری عاجل و فوری تبدیل شده است. متن بیانیه به شرح زیر است:

علیه کشتار انسان‌ها به نام "محاربه با خدا" به پا خیزیم !

با متهم کردن بازداشت شدگان تظاهرات روز عاشورا به «محاربه با خدا»، رژیم ایران بار دیگر به ایرانیان و سراسر جهان اعلام می‌کند که من‌اینده خدا روی زمین هستم و هر آنکس مخالف من بیاندیشد و سخن گوید و گام بردارد محارب با خداست و محکوم به توبه و یا مرگ.

در سراسر جهان، بسیاری از مدافعان حقوق انسانی با ره آورد چنین جهان‌بینی که حاصل دگرذیسی مذهب به ایدئولوژی سیاسی است آشنا نیستند و به نتایج فاجعه بار آن در ایران آگاهی دارند: صدها هزار پیکر تازیانه خورده! دهها هزار سر بر دار و جان ویران از آتش تیربار، صدها قتل فراقضایی با پرونده نامعلوم در داخل و خارج کشور.

به همت فعالان حقوق بشر اسناد و شواهد کافی درباره این جنایات‌ها در دست است و نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسانی بارها به صدای بلند از این جنایات سخن گفته اند.

این تجربه می‌باید که به کار اقدام هشیار امروز آید، تا سدی بسازد در مقابل موج سرکوب که همراه با خیزش آزادیخواهانه مردم بالا گرفته است. با علم کردن اتهام نخ نمای «محاربه با خدا» حاکمان

در تدارک قتل دگر اندیشان و مخالفان هستند. حاکمان بار دیگر به خود مقام خدایی اعطا کرده اند تا خواست آزادی را سرکوب کنند و خون انسان‌هایی را که جز حقوق شهروندی هیچ چیز نخواسته اند مباح سازند.

پس شایسته است ما شهروندان ایرانی که خواهان حقوق انسانی خود هستیم، برای اقدام فوری علیه سرکوب و کشتار مخالفان، به صف آزادیخواهانی ببیونددیم که با صدای بلند می‌گویند: «من هم یک محارب هستم».

با تدارک هزارها اقدام اعتراضی علیه سرکوب و اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی، از جنایات تازه علیه بشریت به نام خدا پیش‌گیری کنیم.

یک‌صد و با تمام قوا از آزادیخواهان سراسر جهان، از تمامی نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و از سیاستمدارانی که از ارزش های دموکراتیک سخن می‌گویند بخواهیم از وقوع قتل‌های سیاسی در ایران پیشگیری و به سرکوب مخالفان اعتراض کنند.

. گیل اوایی (شاعر - هلند) - هادی ابراهیمی (روزنامه نگار - ونکوور) - شبنم اسداللهی (فعال حقوق بشر - اتاوا) - رضا اغمنی (نویسنده - لندن) - حمید اکبری (استاد دانشگاه - شیکاگو) - بهمن امینی (ناشر - پاریس) - اصغر ایزدی (فعال حقوق بشر - فرانکفورت) - مهرداد بران (آهنگساز - نوازنده - پاریس) - ناهید باقری (نویسنده - وین) - بهنام باوندپور (نویسنده - بن) - منیره برادران (فعال حقوق بشر - فرانکفورت) - سیروس بینا (استاد دانشگاه - مینه سوتا) - ناصر پاکدامن (نویسنده - پاریس) - جهانبخش پاکزاد (پژوهشگر علوم سیاسی - پاریس) - مهشید پگاهی (فعال جنبش زنان - درتموند) - حمید جاودان (کارگردان و بازیگر تئاتر - پاریس) - محمد جلالی - م. سحر (شاعر - پاریس) - گلرخ جهانگیری (فعال جنبش زنان - برلین) - جواد جواهری (نویسنده - پاریس) - نسیم خاکسار (نویسنده - اوترخت) - نسیم خسروی مقدم (شاعر و سینماگر - استرالیا) - آذر خوتانی (فعال جنبش زنان - شیکاگو) - هاید درآگاهی (فعال جنبش زنان - استکهلم) - مهرداد درویش پور (استاد دانشگاه - استکهلم) - مهشید راستی (فعال جنبش زنان - استکهلم) - نسیم رحیمیه (رییس مرکز ایرانشناسی دانشگاه کالیفرنیا - ارواین) - یداالله رویایی (شاعر - پاریس) - صدرالدین زاهد (کارگردان و بازیگر تئاتر - پاریس) - حمید زنگنه (استاد دانشگاه - سانفرانسیسکو) - بابک سالاری (عکاس - مونترآل) - امیر سلطانی (نویسنده - یوتا) - بهرام شفیع (فعال حقوق بشر - لندن) - روحی شفیع (نویسنده - لندن) - شهلا شفیق (نویسنده - پاریس) - کاظم شهریاری (نویسنده و کارگردان تئاتر - پاریس) - بهروز شیدا (نویسنده - استکهلم) - پرویز صادقی (فعال حقوق بشر - درتموند) - الهه صدر (فعال جنبش زنان - کلن) - سیاوش عیقری (استاد دانشگاه - آتلانتا) - شهلا عیقری (استاد دانشگاه - آتلانتا) - سپیده فارسی (سینماگر - پاریس) - آراز فانی (فعال حقوق بشر - گوتنبرگ) - سیاوش فرجی (فعال حقوق بشر - استکهلم) - رضا قاسمی (نویسنده - پاریس) - فرهنگ قاسمی (فعال حقوق بشر - پاریس) - منیره کاظمی (فعال حقوق بشر - فرانکفورت) - شیمیا کلباسی (شاعر - واشنگتن - دی سی) - رضا مرزبان (روزنامه نگار - پاریس) - گرجی مرزبان (فعال حقوق بشر - وین) - شاهرخ مشکین قلم (رقصنده و طراح رقص - پاریس) - عباس معیری (نقاش - پاریس) - لیلی مظاهری (وکیل - واشنگتن - دی سی) - ابراهیم مکی (نویسنده و کارگردان تئاتر - پاریس) - باقر مومنی (نویسنده - پاریس) - رضا مهاجری نژاد (فعال حقوق بشر - سانفرانسیسکو) - حمید مهدی پور (ناشر - کلن) - انور میرستاری (فعال حقوق بشر - بروکسل) - رضا ناصحی (فعال حقوق بشر - پاریس) - منوچهر نامور آزاد (کارگردان و بازیگر تئاتر - پاریس) - شکوه نجم آبادی (بازیگر تئاتر - پاریس) - علی نگهبان (نویسنده - ونکوور) - شهین نوانی (پژوهشگر و فعال جنبش زنان - برلین) - رضا هیوا (شاعر-پاریس). ملاحظه نمایند. ۲۷ دی ۱۳۸۸

هویت دو زندانی در انتظار اجرای حکم سنگسار اعلام شد

هرانا: حکم سنگسار دو متهم یک پرونده به اتهام زانی محصنه در دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی تایید شد. به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پیرو گزارش پیشین در این رابطه "سرمیه عبادی، ۳۰ ساله، دارای دو فرزند" و "بوعلی جانفشانی، ۳۲ ساله و دارای یک فرزند" هویت و مشخصات دو متهم پرونده فوق الذکر اعلام می‌شود.

بیانیه‌ی عفو بین‌الملل مبنی بر لزوم توقف احکام اعدام زندانیان سیاسی

در این بیانیه آمده است:

عفو بین‌الملل از مقامهای رژیم ایران می‌خواهد اعدام حداقل ۱۷ عضو اقلیت کرد ایران، از جمله یک زن به نام زینب جلالیان - که پس از محکومیت‌شان به جرائم سیاسی در انتظار اعدام هستند را متوقف کند. این سازمان بیم دارد که آنها ممکن است در هر لحظه اعدام شوند، به‌خصوص پس از اعدام دو کرد دیگر در ایران در ماههای اخیر، که آخرین آنها فصیح یاسمنی بود که در ۶ ژانویه ۲۰۱۰ در خوی اعدام شد. همه آنها پس از محاکمات غیر عادلانه بجرم محاربه اعدام محکوم شدند. برطبق برخی گزارشات تعدادی از آنها در بازداشت شکنجه شده بودند و از دسترسی به وکیل مدافع منع شده بودند.

در ادامه بیانیه عفو بین‌الملل آمده است: فرد اعدام شده، فصیح یاسمنی در روستای هندوان نزدیکی خوی در ماه فوریه ۲۰۰۸ یا حوالی آن دستگیر شده بود. مشخص نیست که آیا فصیح یاسمنی در این درگیریها شرکت داشته یا خیر.

به قرار اطلاع وی جزو تعدادی از روستائیان دستگیر شده، از جمله ۵ دختر و پدرش حسین یاسمنی و یک مرد دیگر به نام فهیم رضا زاده بود که گفته می‌شود به بازداشتگاه وزارت اطلاعات درخوی برده شدند، جایی که گفته می‌شود فصیح یاسمنی مورد شکنجه قرار گرفته است. خانواده وی به‌مدت دو ماه از او بی‌اطلاع بود.

حسین یاسمنی در حال حاضر محکومیت دو ساله خود را در زندان می‌گذراند، در حالیکه فهیم رضا زاده به ۱۵ سال زندان در تبعید محکوم شده است. حکم اعدام فصیح یاسمنی که توسط دادگاه انقلاب خوی صادر شده بود ظاهراً در شعبه ۱۰ دادگاه استیناف استان آذربایجان غربی و دادگاه عالی مورد تایید قرار گرفته است و وی بدون در جریان قرار گرفتن وکیلش - که امری لازم بر طبق قوانین ایران است - در تاریخ ۶ ژانویه اعدام شد. جسد وی احتمالاً بدلیل ممانعت از برگزاری تشییع جنازه و یا مراسم یادبود به خانواده‌اش تحویل داده نشده است. عفو بین‌الملل این اعدام را محکوم می‌کند.

عفو بین‌الملل افزود:

علی صارمی ۶۲ ساله در تاریخ ۲۹ دسامبر تحت عنوان محاربه به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران یک گروه اپوزیسیون مستقر در عراق به مرگ محکوم شد. وی در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۷ بعد از سخنرانی در گورستان خاوران در مراسم یادبود قتل‌عام زندانیان سال ۱۹۸۸ دستگیر و از آن زمان تاکنون زندانی بوده است. عفو بین‌الملل در نوامبر ۲۰۰۷ یک بیانیه اقدام فوری در مورد وی و شش تن دیگر صادر کرده بود.

وی که بدون محاکمه ماههاست در زندان اوین در بازداشت بسر می‌برد، آخرین دادگاهش در تاریخ ۱۶ نوامبر در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی برگزار شد. دو روز بعد از آنکه تظاهرات عاشورا در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹ به‌طرز خشونت باری توسط نیروهای امنیتی سرکوب شد، به وی گفته شد که به مرگ محکوم شده است. علی صارمی دارای یک فرزند پسر در سازمان مجاهدین خلق ایران است که در کمپ اشرف در عراق زندگی می‌کند، جایی که وی او را دیدار کرد. علی صارمی ۲۳ سال از عمر خود را به‌خاطر فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب اسلامی در ایران و بعد از آن در زندانبی‌سر برده است.

مقامهای ایران تهدید کرده‌اند که تظاهرات کنندگان را به جرم محاربه مورد محاکمه قرار دهند. این امر بنظر می‌رسد با هدف باز داشتن مردم از شرکت در تظاهرات بر علیه دولت طراحی شده است. ۱۷ نفر از افرادی که به‌خاطر جرائم سیاسی در نوبت مرگ بسر می‌برند گزارش می‌شود که به‌شرح زیر هستند:

- ۱- زینب جلالیان
- ۲- حبیب الله لطفی
- ۳- شرکو معارفی
- ۴- فرهاد وکیلی
- ۵- فرزاد کمانگر
- ۶- علی حیدریان
- ۷- حسین خضری
- ۸- رشید اخکندی
- ۹- محمد امین آگوشی

افزایش حکم یک زن زندانی سیاسی به اعدام

خبرگزاری هرانا - حقوق شهروندان، اندیشه و بیان: یک زن زندانی سیاسی که به اتهام محاربه به حبس ابد محکوم شده بود در دادگاه تجدید نظر به اعدام محکوم شد.

به گزارش واحد اندیشه و بیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، شیرین علم هویی زندانی سیاسی که در تاریخ چهارشنبه ۱۶ دیماه توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب شهر تهران به حبس ابد محکوم شده بود، پس از اعتراض به حکم صادره در دادگاه تجدید نظر استان تهران به اعدام محکوم شد، این حکم روز پنجشنبه مورخ ۲۴ دیماه صادره شده است. ۲۶ دیماه ۱۳۸۸

انتقال اردوان تراکمه به بند عمومی

تداوم بازجویی و نگهداری امید منتظری در بند ۲۴۰

کمیته گزارشگران حقوق بشر- بنابر گزارش‌های دریافتی اردوان تراکمه، منتقد سینما که در شامگاه ششم دی‌ماه به همراه مهین فهیمی بازداشت‌شده بود، پس از اتمام بازجویی به بند عمومی منتقل شده است. این درحالی است که منابع آگاه از ادامه بازجویی از امید منتظری فرزند مهین فهیمی و نگهداری وی در بند ۲۴۰ زندان اوین خبر داده‌اند.

اردوان تراکمه فرزند یونس تراکمه داستان‌نویس و منتقد نام‌آشناست که به همراه مهین فهیمی از مادران صلح در شامگاه ششم دی‌ماه در منزل شخصی مهین فهیمی به همراه عده‌ای دیگر از مهمانان بازداشت شدند. ماموران امنیتی سپس همراه اردوان تراکمه به محل سکونتش رفته و کامپیوتر، کتاب‌ها و دستنوشته‌های او را با خود بردند.

امید منتظری فرزند مهین فهیمی و حمید منتظری از زندانیان سیاسی اعدام‌شده در سال ۶۷ نیز روز هفتم دی‌ماه زمانی که برای پیگیری وضعیت مادر و دوستش اردوان تراکمه و مهمانان بازداشت‌شده دیگر به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات مراجعه نموده بود بازداشت گردید.

در روزهای گذشته حدود هفتاد نویسنده، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار فرهنگی برای آزادی "اردوان تراکمه" به رئیس قوه قضاییه نامه نوشتند.

هشت سال و نیم حبس تعزیری برای مجید توکلی

خبرگزاری هرانا - به گزارش واحد دانشجویی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مجید توکلی از فعالان برجسته دانشجویی که روز ۱۶ آذرماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به تحمل ۸ سال و نیم حبس تعزیری، ۵ سال محرومیت از فعالیت سیاسی و نیز ۵ سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شد.

محاکمه این فعال دانشجویی بر اساس چهار اتهام "توهین به رهبری، توهین به ریاست جمهوری، اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام" مورخ ۱۰ دیماه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب شهر تهران، بدون حضور وکیل مدافع آقای توکلی و در پشت درهای بسته برگزار شده بود. این دادگاه با اعتراض مجید توکلی همراه بود.

مجید توکلی در حال حاضر در سلولهای انفرادی بند ۲۴۰ در زندان اوین نگهداری میشود، وی در زمان بازداشت و بازجویی به شدت مورد ضرب و شتم و شکنجه جسمی و روحی قرار داشته است. این فشارها همچنان ادامه دارد.

لازم به یادآوری است، مجید توکلی دو سال پیش نیز به مدت ۱۵ ماه به اتهام چاپ نشریات جعلی در زندان بود که بعد از این مدت از اتهامات وارده تبرئه شد. او در مدت زندان ۷۰ مورد از شکنجه‌های صورت گرفته بر روی خود را افشا کرد.

همچنین او بار دیگر در مراسم بزرگداشت مهندس بازرگان که لغو شده بود بازداشت و مدت ۱۱۵ روز را در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین گذراند و اخیراً با تودیع وثیقه سنگین آزاد شده بود.

هویت دو زندانی در انتظار اجرای حکم سنگسار اعلام شد

هرانا: حکم سنگسار دو متهم یک پرونده به اتهام زنی محصنه در دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی تایید شد. به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پیرو گزارش پیشین در این رابطه "سریمه عبادی، ۳۰ ساله، دارای دو فرزند" و "بوعلی جانفشانی، ۳۲ ساله و دارای یک فرزند" هویت و مشخصات دو متهم پرونده فوق الذکر اعلام می‌شود.

زلزله در هایتی

صادق افروز



زلزله بسیار شدیدی به قدرت ۷.۳ ریشتر، پورت آپرینس پایتخت هایتی را به شدت در هم کوبید. پس از این زلزله بیش از ۳۰ پس لرزه با درجاتی حدود ۴.۵ ریشتر بر شدت خرابی ها افزوده است. تعداد تلفات را در حدود ۱۰۰ هزار نفر حدس می زنند. صحنه هایی که از خیابان های این شهر توسط خبرنگاران به خارج فرستاده می شود بسیار اسف انگیز است. اجساد در خیابان ها رها شده اند، و کودکان در جستجوی آب و غذا به هر دری می زنند. تعفن ناشی از اجساد رها شده در خیابان ها آنقدر آزار دهنده است که مردمی که جایی و وسیله ای برای به خاک سپردن مردگان ندارند به ناچار مردگان را در خیابان ها به آتش می کشند

زلزله، خانه هایی را که فاقد مقاومت در مقابل زلزله بودند به همراه بیمارستان ها، هتل ها و مدارس در هم کوبیده است. حتی ساختمان های دولتی و کاخ ریاست جمهوری هم در برابر این زلزله تاب نیاورده اند. به گفته رنه پری وال رئیس جمهور هایتی ساختمان پارلمان ویران شده و اداره مالیات هم از بین رفته است. بیمارستان های بر جا مانده به علت ازدهام بیش از توانایی پذیرش بیماران جدید را ندارند. دولت بسیار ضعیف پری وال قادر به مواجهه با چنین بحرانی نبود. سازمان ملل هم علیرغم داشتن ۹۰۰۰ سرباز در این کشور از حل این بحران ناتوان است

هایتی در همسایگی جمهوری دومینیکن قرار دارد و به همراه این کشور یک جزیره را تشکیل می دهد. کوبا و ایالات متحده آمریکا نیز با هایتی مرز آبی دارند و ساحل هایشان از هم چندان دور نیست. رسانه هایی که اخبار مربوط به هایتی را به جهان مخابره می کنند همه اذعان دارند که خانه ها و ساختمان های پورت آپرینس بسیار ضعیف ساخته شده و توان مقابله با زلزله ای به این قدرت را به هیچ وجه نداشتند. آنها همچنین این واقعیت را مورد اشاره قرار می دهند که دولت رنه پری وال بسیار ضعیف است. ولی هیچکدام از این رسانه ها از آنجاییکه در خدمت منافع کمپانی های بزرگ هستند به دلالت این همه ضعف و نقصان نمی پردازند. چرا ۶۰ درصد خانه ایمنی لازم را نداشتند؟ چرا هیچ مقرراتی در مورد خانه سازی در شهری که روی خط زلزله قرار داشته به مورد اجرا گذاشته نشده است؟ چرا و چگونه جمعیت شهری که در دهه ۱۹۵۰ تنها ۵۰ هزار نفر جمعیت داشته ناگهان به ۲.۵ میلیون نفر رسیده است؟ چرا و چگونه کشاورزی در این جزیره علیرغم آب و هوای مناسب از بین رفته است؟ و چرا روستاییان این چنین به شهر ها هجوم آورده اند؟ برای یافتن پاسخ به این سوالات چاره ای جز مروری بر سیاست امپریالیزم آمریکا در این جزیره نداریم. آمریکا و سازمان ملل و دیگر قدرت های جهانی به اقلیتی فاسد و تبهکار در این کشور کمک کرده اند تا در قدرت باشند و سیاست های نئولیبرالی مورد علاقه آن ها را پیاده کنند. پیاده شدن این سیاست منجر به فقر و فاقه شدید مردم شده، جنگل ها را نابود کرده، راه های ارتباطی را نه تنها گسترش نداده بلکه از آن هم که بوده خراب تر کرده و دولت را به موجودی بی خاصیت تبدیل کرده است.

پیاده شدن سیاست نئولیبرالی امپریالیزم آمریکا در هایتی تأثیرات خرابی زلزله در این کشور را چند برابر کرده است. در دوران جنگ سرد، آمریکا از دیکتاتور این کشور، پایا دوک دوالیه حمایت می کرد. بدنبال دوالیه پدر، پسرش جانشین او شد. این پدر و پسر از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۶ بر این کشور حکومت کردند. در این سال ها آمریکا از این خانواده که سیاستی ضد کمونیستی را در فاصله بسیار نزدیک با کوبا

پیش می بردند حمایت می کرد. در این سال ها اقتصاد هایتی یک اقتصاد بسته و عقب افتاده بود و اکثر اهالی به کشاورزی سنتی مشغول بودند. تحت نظر واشنگتن دوالیه پسر، در های اقتصاد هایتی را به روی سرمایه های آمریکایی در دهه ۷۰ و ۸۰ باز کرد. سیل ورود کالاهای کشاورزی آمریکا، کشاورزی بومی هایتی را نابود کرد. در نتیجه صد ها هزار نفر از کشاورزان خانه خراب شده به پورت آپرینس پایتخت کشور هجوم آوردند. این مهاجرین با حقوق های بسیار ناچیز در کارخانه ها و کارگاه های آمریکایی که در منطقه ای مخصوص ساخته شده بود مشغول به کار شدند.

در دهه ۸۰ مردم هایتی برای سرنگونی دوالیه بپا خواستند و ژان برتراند ارستید را به عنوان رئیس جمهور خود انتخاب کردند. ارستید در پلاتفرم انتخاباتی اش، وعده اصلاحات ارضی، سرمایه گذاری در امر جاده سازی و گسترش راه های ارتباطی و افزایش دستمزد ها را می داد. آمریکا نمی توانست رژیم جدید را که تهدیدی جدی برای ادامه اجرای سیاست های نئولیبرالی بود تحمل کند. برای پایان دادن به این وضعیت آمریکا از کودتایی که ارستید را در سال ۲۰۰۴ به زیر کشید علنا حمایت کرد. این کودتا در شرایطی انجام شد که ارستید تحت فشار آمریکا بسیاری از وعده های انتخاباتی خود را فراموش کرده و حاضر به سازش بود. ولی آمریکا حتی آن نیمچه اصلاحات ارستید را هم نمی توانست تحمل کند. آمریکا خواهان رژیمی بود که در برابر تمامی خواسته ها زانو بزند. تقاضای کمک مالی ۲۱ میلیارد دلاری ارستید از سوی آمریکا رد شد و سرانجام در سال ۲۰۰۴ در کودتایی که به کمک الیت این کشور و جوخه های مرگ صورت گرفت حکومت ارستید سرنگون شد. سربازان سازمان ملل که در ظاهر برای حفظ امنیت به این جزیره ارسال شده بودند در واقع این کشور را اشغال کردند و دولت سرسپرده جرارد لتوریتو را به جای ارستید بر سر کار گذاشتند. این دولت مدتی کوتاه در قدرت بود. لتوریتو و اطرافیانش تا توانستند بخش بزرگی از کمک مالی ۴ میلیاردی را به جیب خود زدند. دولت لتوریتو اصلاحاتی را که ارستید به اجرا گذاشته بود معطل کرد و فقر و فاقه با ابعاد گسترده تری شتاب گرفت.

در سال ۲۰۰۶ مردم هایتی به یار دیرینه ارستید یعنی رنه پری وال که در حال حاضر رئیس جمهور کشور است رای دادند. اما پری وال شخص ضعیف النفسی بود و با طرح های نئولیبرالی آمریکا از در سازش در آمد. ارستید در انتقاد از انتخابات ۲۰۰۶ آنرا انتصابات نامید و روی کار آمدن پری وال را خنجری بر پشت مردم نامید.

در ضعف دولت پری وال همین بس که آمریکا، سازمان ملل و دیگر قدرت های امپریالیستی دولت پری وال نادیده گرفته کمک های مالی خود را به طرف آن، جی، او ها (۱) سرازیر می کنند. در حال حاضر تعداد این آن، جی، او ها نسبت به جمعیت کشور بیشترین در جهان است. تصمیم گیرنده واقعی در کشور همین آن، جی، او ها هستند که سیاست های نئولیبرالی را پیاده می کنند.

در رابطه بسیار نزدیک با نیروهای ویژه سازمان ملل (که اکثرشان برزیلی هستند) اوپاما تقریباً همان سیاست های روسای جمهوری قبلی را ادامه داده است. سیاست رونق دادن به صنعت تورسیم، نساجی و لباس دوزی به همراه تضعیف نقش دولت در اقتصاد از طریق خصوصی سازی و از بین بردن مقررات و محدودیت های محیط زیستی و آیین نامه های مربوط به وضعیت کارگران و کارمندان از جمله این سیاست ها هستند. اجرای این سیاست ها دولتی بسیار ضعیف را موجب شده که در شرایط بسیار بحرانی زلزله قادر به هیچگونه کمک رسانی به مردم نیست. مردم صلح دوست جهان که از دیدن صحنه های دلخراش وضعیت زنده ماندگان این زلزله متاثر شده اند همگی در جستجوی راهی برای ارسال کمک های خود می باشند. ولی در ارسال این کمک ها باید دقت کرد که این کمک ها در جهت منافع امپریالیست ها بکار گرفته نشود. در شرایط بسیار دهشتناک کنونی، حزب لاوالاس و رهبر تبعیدی اش ارستید باید این امکان را داشته باشند که مردم را در بازسازی خرابی ها سازمان دهی کنند. ارستید که در حال حاضر در آفریقای جنوبی در تبعید بسر می برد اعلام داشته برای کمک به مردم به زادگاهش بازخواهد داشت. اتحادیه های کارگری نیز باید از این آزادی بهره مند شوند که بدون ترس و واهمه از جوخه های مرگ به همراه احزاب سیاسی مترقی به مردم یاری برسانند.

Governmental Agencies-1. Non

۱۶ ژانویه ۲۰۱۰

.....

اگر غم جان بگذارد

یکشنبه شب بیست و هفت دی ماه، برابر با هفده ژانویه ضمن قیام به نشانه ی ادای احترام به دو شهید راه آزادی " احسان فتحاحیان " و " فصیح یاسمنی " از ساعت نه تا نه ودو دقیقه ی شب یعنی به مدت دو دقیقه سکوت...

و به یاد نوزده ستاره ی تابناک آسمان سرخ و سیاه کردستان، که دشمنان روشنی و انسانیت، دو ستاره ی فروزان آنان را خاموش کرده

جان، این شیرین ترین ارزانی انسان تا چه اندازه بی ارزش شده است که اگر کسی را از دیگری خوش نیامد به راحتی جان از او بستاند. به راستی انسانیت مرده است که انسان این گونه خوار و فرومایه شده است؟ غم نان برای انسان کم نبود که به غم جان نیز گرفتار آید؟ در اندیشه ی آنیم که اگر غم جان، چون غم نان تداوم یابد چه خواهد شد؟ آیا آزادانه خواهیم مرد یا ذلت خواهیم پذیرفت؟ انسان با انسانیت معنا می یابد و انسانیت انسان است که وی را منبع تمامی ارزشها نموده است. به دیگر معنا، انسان تنها با انسانیت، انسان است و سرآمد سایر مخلوقات. از همین رو، چو انسانیت برفت انسان نیز یا باید در پی انسانیت افتد یا باید پستی گزیند و ذلت پذیرد. انسانیت رفت و انسان نیز در پی آن افتاد. اما تنی چند پست راه برآن بستند و در دیوار آهنین محبوس نمودند و گفتند: یا چون ما باشید یا به خون خود در غلطید. و آن جا بود که انسان ندای انسانیت سر داد و انسان ستیزان طناب دار بافتند. طناب ها فراوان بافتند و ندهای بسیار به دار آویختند. روز ها و سال ها گذشت و انسان ها از پی هم آمدند و باز هم انسانیت خواستند و در تارهای اسارت گرفتار آمدند و به خون خود در غلطیدند اما انسانیت نمد و همچنان زنده است و ندای جاودانگی سر می دهد. پس از آن بود که ما نیز چون آن ها در پی انسانیت روان گشتیم و چو آنان به اسارت گرفتار شدیم و خواهند چون آنان به دار آویخته شویم. اگر سرنوشت ما نیز چو آنان شود انسانیت را هراسی نیست چرا که می داند ریشه ها در خاکند و بهاران در راه. اما آن سوی ناگفته نماند که با سلب جان هر انسان، خدشه ای نیز بر آینه ی تمام نمای انسانیت وارد خواهد آمد. از این جا است که باید به سلب حق حیات انسان ها پایان داد و روح لطیف انسانیت را از زیر ضربات پی در پی دشمنان آن رهانید. انسان والاست است اما مقام انسانیت دو صد چندان بیشتر. پس اگر جان در راه انسانیت قربانی شود ابایی نیست چون انسانیت، پیکر به خون خفته ی انسان را آراسته و با شمیم آزادی، عطر آگین خواهد ساخت. اگر غم جان بگذارد خواهیم توانست. ما تشنگان انسانیت، در راه رهایی، غم جان نداریم و برای رستگاری آن، جان هر کف نهاده ایم. اما پیش از آن که جان از کالبد بیرون رود، فریاد های انسانیت را برا ی بیداری وجدان های بشری، با سکوت خواهیم " سرود " تا که آهنگ خوش نوای سکوت، گوش شنوایی بیابد و وجدانی در پی انسانیت

در همین راستا، ما جمعی از زندانیان سیاسی زندان های مرکزی سنندج، مرکزی ارومیه، رجایی شهر کرج و اوین تهران، یکشنبه شب مورخ ۲۷ دی ماه، ضمن قیام به نشانه ی ادای احترام به دو شهید راه آزادی " احسان فتحاحیان " و " فصیح یاسمنی " از ساعت ۹ تا ۹/۲ دقیقه ی شب یعنی به مدت ۲ دقیقه سکوت خواهیم نمود. همچنین از کلیه ی شبکه های ماهواره ای کردی درخواست می نمایم در همان زمان، همگام با ما از ساعت ۹ به مدت ۲ دقیقه پخش برنامه های تلویزیونی خود را متوقف و به یاد ۱۹ ستاره ی تابناک آسمان سرخ و سیاه کردستان، که دشمنان روشنی و انسانیت، دو ستاره ی فروزان آنان را خاموش کرده و در پی آند که سایه ی ظلمت بر روشنایی همه ی آنان نیز بگسترانند، سکوت اختیار نمایید. همزمان از تمامی مردم با شرف کردستان و وجدان های بیدار بشری در سراسر جهان تقاضا داریم برای همنوایی با سکوت ما، در همان زمان به مدت ۲ دقیقه چراغ های منازل خود را خاموش نمایید. این حرکت نمادین، به نشانه ی اعتراض نسبت به اعدام دو جوان کورد و احتمال قریب الوقوع اجرای حکم سایر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام صورت می گیرد. امید است با پیوستن به این حرکت، انسانیت به پیروزی نایل آید و انسان را به کمال انسانی رهنمون شود.

جمعی از زندانیان سیاسی زندان های مرکزی سنندج، مرکزی ارومیه، رجایی شهر کرج و اوین تهران

با کمک مالی به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه خانواده های آنان را تنها نگذاریم

کمپین اتحادیه آزاد کارگران ایران برای جمع آوری کمک مالی به کارگران زندانی شرکت نیشکر هفت تپه لیست کمکهای مالی تاکنون جمع آوری شده توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه.

اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنان به جمع آوری کمک مالی برای کارگران زندانی نیشکر هفت تپه ادامه خواهد داد و همینجا بار دیگر عموم کارگران ایران را به حمایت مالی از کارگران زندانی نیشکر هفت تپه و مبارزه برای آزادی آنان از زندان فرا میخواند.

بدنبال فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران برای جمع آوری کمک مالی به کارگران زندانی شرکت نیشکر هفت تپه، تا کنون در شهرهای سنندج، تهران، شمال کشور و برخی نقاط دیگر، کارگران اقدام به جمع آوری مبلغ ۱۹،۸۳۰،۰۰۰ ریال معادل یک میلیون و نهصد و هشتاد و سه هزار تومان کمک به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه کرده اند که از این مقدار کمک، مبلغ ۱۷،۵۰۰،۰۰۰ ریال معادل یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان توسط سه نفر از مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران (پروین محمدی، ناهید خداجو و شاپور احسانی راد) تحویل مسئولین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه شده است و مبلغ باقی مانده کمکهای مالی جمع آوری شده ی تا کنونی، به همراه کمک ثابت ماهیانه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در فرصت مقتضی در اختیار مسئولین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه قرار خواهد گرفت.

زنده باد همبستگی کارگری

اتحاد آزاد کارگران ایران - ۱۴ دی ماه ۱۳۸۸

زلزله هائیتی؛

گزارشهای یکی وخیم تر از دیگری است

سازمان ملل: دبیرکل سازمان ملل متحد گفت، گزارشهایی که از ویرانی های زمین لرزه هائیتی می رسد یکی وخیم تر از دیگری است.

بان کی مون در نشست خبری با تشریح عملیات امداد و نجات در هائیتی افزود، تخمین اولیه گروه های اورژانس سازمان ملل متحد نشان می دهد خسارت ها به زیرساختهای هائیتی در پرتوپرنس پایتخت این کشور و دیگر مناطق هائیتی بسیار وسیع است و بخش زیادی از جمعیت سه میلیون نفری که در پایتخت و مناطق اطراف آن تحت تاثیر زلزله قرار گرفتند به آب، غذا، پناهگاه و برق دسترسی ندارند.

دبیرکل سازمان ملل گفت، تجهیزات سنگین به شدت مورد نیاز است، توزیع غذا و دارو در پرتوپرنس شروع شده است، فرودگاه باز است اما ظرفیت خدمات دهی آن محدود است به طوری که فقدان حمل و نقل و سوخت نیز به مانعی برای امدادسانی تبدیل شده است.

دبیرکل سازمان ملل متحد درباره آمار کشته های زمین لرزه هائیتی گفت: فعلا فقط می توان درباره کشته ها حدس و گمان زد.

در این حال وزیر کشور هائیتی با تشبیه اوضاع هائیتی به کشوری جنگ زده که ۱۵ روز پی در پی بمباران شده باشد، پیش بینی کرد، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر کشته شده باشند. آرامیک لونیز، وزیر امنیت داخلی هائیتی، شمار کشته شدگان را ۱۴۰ هزار تن ارزیابی کرد.

نخست وزیر هائیتی نیز از جمع آوری بیش از ۱۵ هزار جسد از خیابان های پایتخت این کشور خبر داد و افزود: هنوز هزاران جسد دیگر زیر آوار هستند و ما نتوانسته ایم آنها را خارج کنیم.

وی ادامه داد، تعداد زیادی نیز همچنان زنده زیر آوار گرفتار هستند و به علت کم بودن تجهیزات، نیروهای امدادی نمی توانند آنها را نجات دهند. هم اکنون کمک هایی از برخی از کشورها وارد پورتوپرنس پایتخت هائیتی می شود اما امدادگران هشدار می دهند این کمکها کافی نیست و مصدومان در خطر مرگ قرار گرفته اند.

نهادها و سازمان های بهداشتی فعال در هائیتی هم هشدار دادند، به علت اینکه اجساد ناشی از زمین لرزه مهیب در این کشور هنوز دفن نشده و در خیابان ها هستند احتمال شیوع انواع بیماری های واگیردار وجود دارد. به گزارش رادیو آلمان، نیروهای آمریکایی کنترل پایتخت این کشور، پورتوپرنس، را در دست گرفتند.

گزارش گردهمایی مادران عزادار در تهران

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

بیست و شش ماه برای مادران یادآور روزی است که محمد رضا شاه دیکتاتور را فراری دادند و سرمست از این پیروزی با آرزوی عدالت و برابری و آزادی، جوانانی با ایمان و آزادیخواه پرورش دادند غافل از اینکه دشمنان آزادی آنان را بدتر از دوران گذشته به خاک و خون خواهند کشید و اکنون هر روز به عزای جوانی می نشینند و با اشک و سکوت خواسته های برحق خود را تکرار می کنند تا شاید روزی فرزندان این سرزمین در کنار هم با عشق و صلح و صفا، زندگی کنند. چه جوانان آزادیخواهی چون امیر ارشد فرزند شهین مهین فر مادری عاشق که صدایش چهل و چهار سال با متن های مادرانه و عاشقانه در نیمه های شب از طریق رادیو به گوش مردم رسید و چه جوانان فریب خورده لباس شخصی و نظامی و بیسیجی که برای امرار معاش به مردم کشتی کاشانده شده اند، همه و همه ی مردم ایران بتوانند زندگی شایسته و انسانی داشته باشند.

شنبه این هفته نیز نیروهای ضد امنیت پارک لاله را اشغال کرده بودند ولی نگذاشتند مادران در پارک تجمع کنند، هرچند تعدادی از مادران در گوشه و کنار پارک و خیابان های اطراف دیداری تازه کردند و پیمان شان را یادآور شدند. شاید تعدادی هم بازداشت شده باشند هنوز خبر موثقی به ما نرسیده است.

و تعدادی از مادران در گوشه ای دیگر از تهران با در دست داشتن پلاکاردها و عکس فرزندان شان اجتماع کردند و به دشمنان آزادی یادآور شدند که پارک لاله را می توانید اشغال کنید ولی تمام سرزمین ما را نه. مادران عزادار یکشنبه ۸۸/۱۰/۲۷

نامه زینب صارمی. دختری که ۲۳ سال است پدر را پشت

میله های زندان دیده است

پیام زیر از زینب صارمی دختری است که ۲۳ سال پدر را پشت میله های زندان دیده است، به امید آزادی همه زندانیان سیاسی! متن پیام: باتعظیم به سردار آزادی علی صارمی نمی توانم پدرخطابت کنم که بالاتر از نامی. نمی توانم پدرخودم خطابت کنم که درحاضر غرورم قرارگیری و درعین حال حصار را نمی پذیری. پدرجان دربردیگی ظلم بودن و چون ماهی برساحل افتادن چه بسا خود طناب داری است برگردن هرآن که دارد به سختی زندگی میکند و ما، هزاران هزار آنان در سانس انتظار زندان ها هفته به هفته رودرو می بینیم. حکم اعدام دادن به کلمه آزادی.

اگر آقای نلسون ماندلا با ۲۰ سال سابقه زندان برای آزادی وطنش را باید کیوتین می زدند پس امروز کشورش چه می شد؟ پدر من را چرا؟

پدر من را ۲۳ سال است به بهانه های مختلف به زندان می برند که مخفی باشد. چرا پدر من باید مخفی بماند و حالا هم اعدامش کنند! مگر پدر من چه کرده که نباید دیده شود و نباید باشد؟ هرکس جوابش را میداند به من بگوید.

درضمن مگر تنها پدر من است! گیرم که می زنی! گیرم که می برید! گیرم که می کشید! با رویش ناگزیر جوانه چه می کنید؟ زینب صارمی ۲۴ دی ماه ۱۳۸۸

اعلام موجودیت شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان

زندگی بهتر حق کارگر است

کارخانه ذوب آهن اصفهان همواره یکی از بزرگترین مجموعه های کارگری ایران بوده و می باشد. با این همه و به رغم حرکت های کوچک و بزرگ کارگران ذوب آهن برای احقاق حقوق و بهبود شرایط کاری خود، آنان از داشتن هرگونه تشکل کارگری برای دفاع از حقوق و پیگیری مطالبات بحق خود محروم بوده اند. اینک با توجه به شرایط دشوار کارگران و نیز آینده مبهم در پیش رو، و درحالی که بحرانهای اقتصادی فشار مضاعف و کمربندی به قشر کارگر وارد می کنند، ما جمعی از کارگران ذوب آهن بر آن شدیم تا در نخستین گام برای دفاع از حقوق کارگران و انسجام بخشیدن به صفوف پراکنده آنان، تشکل ((شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان)) را اعلام نماییم. از آنجا که این شورا در شرایط غیرعقلی تشکیل شده و منتخب آرای کارگران کارخانه نمی باشد، لذا عنوان ((شورای موقت)) را برای خود بر می گزیند ولی با این حال متعهد می گردد که در صورت فراهم شدن شرایط مساعد در اولین فرصت، انتخاباتی آزاد با شرکت تمامی کارگران کارخانه برگزار کند تا آن زمان شورا به نمایندگی از تمامی کارگران کارخانه، برای دفاع از حقوق آنان خواهد کوشید و تصمیمات خود را از طریق صدور بیاتیه به اطلاع آنان خواهد رساند.

راه حل پنج ماده ای ما زنان

برای برون رفت از "بحران"!

بیاتیه زنان: آقایان موسوی و کروبی هر کدام در طی روزهای اخیر بیاتیه های منتشر کردند که راه حل های خود را در ۵ ماده برای برون رفت از "بحران" بیان کردند. این راه حل ها با استقبال پنج "روشنفکر دینی" در خارج از کشور روبه رو شد: آقایان گنجی، سروش، کدیور، مهاجرانی و بازرگان که به قول خودشان "اتاق فکر" و یا "دولت در تبعید" را پایه ریزی کرده اند. در این بین آنچه کمتر مطرح است، موضع گیری کسانی است که نه خواهان تغییر رییس جمهور و جا به جایی این فرد و آن فرد یا محدود شدن "اختیارات رهبری" هستند بلکه از تغییراتی زیربنایی و ساختاری سخن می گویند. یکی از این گروه های اجتماعی، ما زنان هستیم که خواسته هایمان و حضورمان همانگونه که انتظار می رفت در هیچیک از این بیاتیه ها ملاحظه نشده است. انتظار دیگری هم نبود زیرا در هیچیک از بیاتیه ها و اعلام مواضع آقایان، از فردای انتخابات به این سو، یعنی از زمانی که مساله جذب آرا منتفی شده بود، به خواسته های زنان توجهی نشده است. ما بر این باوریم که مسائل زنان، بخش عمده ای از "بحران" جاری است و بدون دیدن و ارائه راهکار برای حل آن، هیچ راه حلی پاسخگو نخواهد بود. پس لازم است که کوتاه و مختصر و برای حل مسائل زنان، ما نیز بیاتیه خود را آن هم در ۵ ماده به اطلاع عموم برسانیم. ما ضمن تاکید بر خواسته های عمومی "آزادی اندیشه، بیان، تشکل و اجتماعات"، "لغو مجازات اعدام و شکنجه" و "آزادی بی قید و شرط و فوری کلیه زندانیان سیاسی"، مهمترین خواسته هایمان را به طور خلاصه و بدون ترتیب اولویت ها به شرح زیر اعلام می کنیم:

۱. لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز و ضد زن موجود از جمله: قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، چند همسری، حضانت، ارث، شهادت و...
۲. به رسمیت شناخته شدن حق زن بر بدن و ذهن خویش؛ شامل لغو حجاب اجباری و برقراری آزادی پوشش، آزادی انتخاب همسر و آزادی انتخاب گرایش جنسی.
۳. رفع خشونت علیه زنان در کلیه عرصه های خصوصی و اجتماعی و جرم شناختن آزار جنسی دختران، قتل و خشونت "ناموسی"
۴. جدایی دین از دولت
۵. محاکمه کلیه دست اندرکاران، عاملان و آمران جنایات سه دهه گذشته امضا کنندگان:

- سودابه اردوان (هنرمند، فعال سیاسی) - آزاده ارفح (فعال سیاسی)
- پروین اشرفی (پژوهشگر، فعال جنبش زنان)
- الهه امانی (استاد دانشگاه، فعال جنبش فراملیتی زنان)
- شادی امین (ژورنالیست، فعال جنبش زنان)
- پریسا انصاری (دانشجو، فعال جنبش زنان)
- شیوا بدیهی (فعال جنبش زنان- اتریش) -
- شیرین پرد (مری بهداشت و سلامتی، فعال جنبش زنان)
- فردوس تاجدینی (مترجم، فعال جنبش زنان)
- گلرخ جهانگیری (جامعه شناس، فعال جنبش زنان)
- نسترن جیت ساز (فعال سیاسی) - زینب قره ویسکی (مشاور روانکاو)
- فریبا داوودی مهاجر (روزنامه نگار، فعال جنبش زنان)
- پوران رضایتی (فعال جنبش زنان و پشتیبان مادران عزادار- اتریش)
- ماریا رشیدی (فعال زنان و فعال سیاسی)
- پروانه زرگر (نقاش و فمینیست) - الهه صدر (فعال جنبش زنان)
- شادی صدر (حقوقدان، فعال جنبش زنان)
- آنا عاصی پاک (فعال جنبش زنان لایک ایرانی)
- محبوبه عباسقلی زاده (پژوهشگر، فعال جنبش زنان)
- ستاره عباسی (فعال سیاسی و جنبش زنان)
- شهلا عبقری (استاد دانشگاه، فعال جنبش زنان)
- مریم عظیمی (فعال سیاسی و جنبش زنان)
- صدیقه فخرآبادی (کادر درمانی، فعال جنبش زنان)
- اعظم قریشی (معلم و فعال جنبش زنان) - هانیه قورخمز (فیژو تراپیست)
- فریده گوسمن (تکنیسین علوم آزمایشگاهی، فعال جنبش زنان)
- سهیلا لینه هورست (مددکار اجتماعی، عضو جامعه بین المللی حقوق بشر)
- هما مرادی (مددکار اجتماعی، فعال جنبش زنان)
- میلا مسافر (مددکار اجتماعی و عضو هیئت مدیره جامعه بین المللی حقوق بشر)
- ویدا مشایخی (فعال جنبش زنان، اتریش)
- ناهید نصرت (مهندس کامپیوتر، فعال جنبش زنان)
- مرزده نورزاد (داروساز، فعال جنبش زنان)